



**مجازات مجارستان**  
محرومیت به دلیل حمایت از مسکو



**نسخه‌شناسی بزرگ**  
در باره عبدالله انوار



**در کنار فردین**  
سعید راد به خاک سپرده شد



## داغ و آلوده

گرمای هوا و خطر مازا، آلودگی، ادارات کشور را تعطیل کرد. آیا هفته دیگر نیز تعطیل می‌شود؟



۷  
کوچه

### یادداشت روز

#### دولت پزشکیان و حقوق شهروندان

حقوقدانان از دولت جدید چه انتظاراتی دارند؟



صالح نقره‌کار  
حقوقدان

حقوقدانان از دولت آینده احترام به حاکمیت قانون می‌خواهند. دولت کوچک و پرکار و جوان، نه زنگ‌زده و منقطع از سرمایه انسانی نسل نو. دولتی که سلیقه‌ای عمل کردن و تنگ‌نظری و اخراج ناروای استاد و نخبه را پیشه نسازد و روی ریل قانون حقوق اساسی را وجه همت قرار دهد. دولت پاسداری کرامت انسانی و باور به حقوق ملت، پیشبرد حقوق شهروندان در عمل یک راهبرد و خط‌مشی دولت است. دولتی که پاسدار حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین است، سراغ سلب حق مردم نمی‌رود. حقوقدانان انتظار دارند، دولت قدر آزادی مردم را بداند و حق تقد را رقیب خود نبیند. دولت به جای شعار حقوق شهروندی سعی کند در عمل موانع استیفای حقوق شهروندان را بردارد. هیچ کششگر مدنی خیرخواهی زندانی نشود. حق تجمع مردم با تعقیب و تهدید مواجه نشود. افشاگر فساد به جای بازداشت با صدافرن مواجه شود. گزینش‌های حامی‌پرورانه جمع شود و شایستگی‌ها جای تبعیض‌ها را بگیرد. حقوقدان و حقوق‌خوان انتظار دارد که بساط نقض حقوق اقلیت‌ها برچیده شود. سوءاستفاده از قدرت شکل نگیرد. کابینه جدید باید تدبیر کند که چگونه کشف اراده عمومی می‌کند و خواست و آرزوی مردم را جلوه عینی و عملی بخشد. چگونه از زنج و آلام مردم بکاهد و سعه و گشایش و رفاه و آسایش و امنیت روحی و روانی و جسمی مردم را فراهم آورد. آرزوهای مردم ایران خیلی امر بعید و ناشناخته نیست. کافی است سر سفره مردم نشستن درک شود. مردمی بودن و نوکر و خدمتگزار مردم بودن که در ادبیات انقلاب اسلامی دهه نخست باب بوده دقیقاً ناظر بر همین وصف متکی به خواست مردم و منقاد اکثریت بودن است. چالش آنجاست که برخی قلمرو اقتدار قانونی خود را نشاناسند و دچار ضعف اعتماد به تشخیص قانونی و اعتبار مردمی شوند. نماینده ایرانیان می‌تواند و باید برای رویای ایرانی همت بلند داشته و عزم جزم برای برکنار کردن و فرصت ساختن داشته باشد. توسعه حق ایرانی است. خجستگی و شادی و امنیت سزاوار هم‌میهن است. سرنوشت ما خط فقر و نابرابری و رکورداری در اعدام و تصادف جاده‌ای و افتادن هواپیما و اینها نیست. ما باید زیست سزاوار ایران داشته باشیم. تداعی چهره یک رئیس‌جمهور توانا و دانا که وعده سر خرمن ندهد و کشور را درست و راست اداره کند یک حق شهروندی است. تراز رئیس‌جمهور نباید پایین آید و دیربگی و فرهنگ و تمدن قوی ایرانی سطح توقع را بالا می‌برد. ما ایرانی‌ها نظر بلندیم و همیشه خود را با بالاترین‌ها قیاس می‌کنیم. رئیس‌جمهور دومین مقام اجرایی است. پریزیدنت ایران ۱۸ وزیر دارد و صدها متخصص و کارشناس خط‌مشی‌گذاری عمومی کشور را ترتیب می‌دهند. رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور سکاندار بودجه عمومی است. رئیس ۱۲ شورای عالی است. از شورای عالی امنیت ملی تا شورای عالی آب و شورای عالی محیط زیست تا مبارزه با مواد مخدر تا مناطق آزاد تجاری تا شورای عالی انقلاب فرهنگی. از بانک مرکزی تا وزارت بهداشت تا آموزش و پرورش. این گستره به چه چیز دلالت دارد؟

اینکه رئیس‌جمهوری چقدر می‌تواند در توسعه ملی و ارتقای حقوق بشر و شهروندی موثر باشد، سوالی اساسی است. باید پرسیده شود آیا رئیس‌جمهور به‌عنوان پاسدار قانون اساسی می‌داند چه قابلیت‌هایی برای حفظ حقوق مردم و احیای حقوق شهروندی و تضمین حق‌های بنیادین و آزادی‌های اساسی دارد؟ آیا برنامه‌ای برای صیانت از حقوق بشر و شهروندی دارد؟

ادامه در صفحه ۷

سید حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران  
از شورای راهبری و دولت آینده سخن می‌گوید:

# کابینه جای کارآموزی نیست



#### در یک نگاه

پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری، برد اصلاح‌طلبان است • در ایران اعتماد به نفس کاذب خیلی از نیروهای میانی کشور، انتظارات را بالا برده است • یک نفر را در خیابان نمی‌بینید که اگر به او بگویید وزیر صمت شود، بگوید این کار را بلد نیست • اصلاح‌طلبان نیاز ندارند که آقای پزشکیان به آنها پست بدهد یا ندهد • من همیشه یک مثنی روشن داشته‌ام؛ کاری که روی زمین نمانده باشد به من نمی‌آید که بردارم، خوشبختانه هم برای پست معاون اول و هم برای سایر پست‌ها به اندازه کافی افراد شایسته‌ای که آمادگی است اما اصولاً در دنیا سن کابینه‌ها بالاست • صریح خدمت آقای پزشکیان گفتم که هیچ بدهی به ما ندارید • رهبری حتماً در تحقق برنامه‌های آقای پزشکیان کمک خواهد کرد • پزشکیان اگر بتواند کارشناسان کشور را بسیج کند و رابطه خود را با رهبری در همین شرایط فعلی نگه دارد، دولت موفق است • رهبری تدبیر کردند که آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان را به عنوان فعالان سیاسی به خانواده جمهوری اسلامی برگردانند • دولت آقای پزشکیان باید دولت کارآمدی باشد و بتواند مردم را مجدداً جذب کند • پزشکیان در مجلس دادوفریاد خود را زده، از حق دختری به نام مهسا امینی هم دفاع کرده اما به نظام تعرض نکرده است • من مکرراً توصیه‌ام به آقای پزشکیان این بوده که در هیچ شرایطی اجازه ندهند تا افرادی بین ایشان و رهبری شکافی ایجاد کنند

صفحه ۲ را بخوانید



### دیدگاه: یادداشت سیاسی

#### کردها و کارگزاران

بازخوانی انتقادی یک رابطه سرد  
به بهانه سفر سیدحسین مرعشی به سنندج



فیض‌الله پیری  
روزنامه‌نگار

سخنرانی سیدحسین مرعشی شنبه همین هفته در سنندج و در جمع شماری از کنش‌گران سیاسی، مدنی، صنفی، زنان و جوانان کردستان که در قالب آئین سپاس و شکرگزاری ستاد پزشکیان در سنندج گرد آمده بودند، یکی از عینی‌ترین مطالبه‌گرهای صریح کردها و اهل سنت با چهره بازاری و پرده‌نشین سیاست در ایران بود، آنجا که هم در حاشیه در حلقه اعضای حاضر قرار گرفت یا با شنیدن چند سخنرانی پای شنیدن دردها و بخشی از زنجیرهای تاریخی کردها و اهل سنت نشست. همدلی و همزادپنداری با این مشکلات تاریخی چنان بود که مرعشی گفت: حتی سخنرانی به زبان کردی را درک کرده و این زنجیرهای تاریخی را حس می‌کند. او حتی در سخنرانی خود ضمن تأیید این مشکلات چند نکته را بیان کرد که بسیار مورد استقبال و توجه حاضران قرار گرفت، آنجا که گفت: من نماینده مطالبات کردستان در مرکز هستم و نمی‌شود با ادبیات دهه ۶۰ کشور را اداره کرد. این انگاره گوی سنجی از دل جامعه کرد و اهل سنت بود زیرا اگر آزادی بیان و بعد از بیان دهه ۶۰ با مخاطره مواجه بود و هنوز جناح اصلاح‌طلب به شکل امروزی از دنده گرایش خط امامی ابراز هویت نکرده بود، محرومیت‌ها بیشتر و البته آزادی و اعتماد مرکز - پیرامون در کردستان و جغرافیای اهل سنت در ایران ضعیف‌تر بود.

حتی در سال‌های قبل از دوم خرداد ۷۶ که کارگزاران تولد یافت و تا سال‌ها هنوز نشانه‌های تمایل به راست را در خود داشت، نسبتی میان کردها و اهل سنت کارگزاران برقرار نشده بود. چنین است که نمایندگان کارگزاران در کردستان و حتی مرکز به واسطه فقر گفتمان و خلأ تئوریک نتوانسته‌اند با جامعه کردستان و عموم اقوام و اهل سنت، ارتباطی ارگانیک یا عاطفی برقرار کنند. این کمبود تئوریک حتی در زمان سفر دیرکل پیشین کارگزاران به سنندج یک بار مطرح شد و کرباسچی شخصاً به چند جوان پیشنها داد که این خلأ را با تدوین تئوری برای کارگزاران پر کنند اما این اقدام، دستمایه اولیه‌ای به نام موضع‌گیری کارگزاران و اعضای آن نیاز داشت که دریغ اکنون اتفاق نیفتاده و از همین روست که آن پیشنه‌ها نیز ایتر ماند زیرا اراده‌ای از مرکز حزب برای طرح این مسائل وجود نداشت.

در عصری که مرحوم هاشمی نیز به عنوان پدر خانواده گسترده کارگزاران و نیز برخی تکنوکراتی‌ها همسو در ساختار قدرت بودند، اساساً طرح مطالبات کردها و اهل سنت محلی از اعراب نداشت. مرحوم هاشمی بعد از رای انتقادی کردستان به احمد توکلی، اندکی صدا را شنید و با اتخاذ برخاستن ناتمام و تدبیری قابل قبول، محمدرضا رحیمی را به عنوان استاندار وقت کردستان برگزید که منجر به فاصله گرفتن حداقلی از ادبیات دهه ۶۰ شد و در دولت خاتمی به اوج خود رسید.

در سال‌های اخیر نیز به‌رغم تزریق چهره‌های جدید و موجه به حزب کارگزاران، متأسفانه این حزب هنوز نتوانسته تکلیف خود را با ادبیات حزبی روشن کند بلکه با نزدیک شدن به ادبیات ایران‌شهری، دافعی‌ای بیشتر در مناطق قومی و مشخصاً کردستان ایجاد کرد. به عبارت روشن، ذهنیت کردستان عموماً از حزب کارگزاران بعد و حتی قبل از تولد که نمادها و نشانه‌های فکری داشت، ذهنیت انتقادی بوده و هنوز ترمیم نیافته است. اما برخی چهره‌ها، ارتباطات محدود خود را با برخی چهره‌های کردستان حفظ کرده بودند. از آن جمله می‌توان به ارتباط دبیران کل پیشین و جدید کارگزاران با برخی چهره‌های پایتخت کردستانی اشاره کرد.

اما تئمه موضوع برخلاف متن، می‌تواند متفاوت باشد. سفر مرعشی به کردستان و ارتباط عاطفی و نزدیک با برخی کنش‌گران این منطقه و پرسش و پاسخ رسمی و غیررسمی با جوانان، زنان، اصناف و سیاسیون می‌تواند، آغازی نسو در رابطه این حزب با گونه‌های متفاوت مردمی و فکری ایرانی و مشخصاً کردها و اهل سنت باشد. حضور و اراده او و نیز این دیدار می‌تواند به اقتراح و جرقه‌ای تبدیل شود که موضوع را به مرکز حزب و تصمیم‌گیران سیاسی آن منتقل کند و به بازتعریف رابطه سیاسی این حزب موثر بدنه اصلاحات با مخاطبان آشنا اما جدید باشد.

فصل مشترک این موضوع می‌تواند گفت‌وگو براساس گفتمان انتخابات جدید، مواضع مشخص دکتر پزشکیان به عنوان گزینه مشترک اصلاح‌طلبان و اقوام و دفاع از مطالبات و شایسته‌گزینی نیروهای اهل سنت که حامی گفتمان دولت جدید هستند (و نه نیروهای کرد اهل سنت مرکز نشینی که به نام اصولگرایی خود را به بدنه قدرت نزدیک کردند و نان خود را برای روغن اصلاح‌طلبی آماده کرده‌اند) آغاز شود. حمایت از اراده‌ای که حول ستاد پزشکیان در کردستان شکل گرفته و نه در تهران.

### سیدحسین مرعشی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی ایران از شورای راهبری و کابینه آینده سخن می‌گوید:

# کابینه جای کارآموزی نیست



رهبری حتماً در تحقق این برنامه‌های آقای پزشکیان کمک خواهد کرد. بنابراین به نظر رهبری در موضعی هستند که علاقه‌مندند رئیس‌جمهور موفق شوند.

او همچنین در خصوص احتمال پیروزی پزشکیان می‌گوید: « صددرصد، از همان اول که ایشان تأیید صلاحیت شدند گفتم باید یک بار دیگر به خدا ایمان آورد». وی افزود: من به دو دلیل امیدم بیشتر است، یک اینکه آقای پزشکیان بسیار در تنظیم روابطش با هسته اصلی قدرت نظام یعنی رهبری، هوشمندانه عمل می‌کنند. من مکرراً توصیه‌ام به او همین بوده است که در هیچ شرایطی اجازه ندهند که افرادی بین ایشان و رهبری شکافی ایجاد کنند. هر دولتی که بتواند قدرت رهبری را پشت سر خود بیاورد دولت موفقی می‌شود. من خیلی به این موضوع امیدوارم و تجربه‌اش را هم دارم. به اعتقاد وی، آقای پزشکیان اگر بتوانند کارشناسان کشور را بسنج کند و رابطه خود را با رهبری در همین شرایط فعلی نگه دارد دولت موفقی است. خدمت‌شان تأکید کردم که رهبری امروز از هر زمان دیگر تهاوت هستند؛ شما خلأ کارشناسی کشور را سازمان دهید و آماده کنید و در اختیار رهبری قرار دهید. حلقه وصل قرار دهید. برزگان و سیاستمداران و کارشناسان ارشد کشور و صاحبان تجربه‌های اصلی یک‌بار دیگر باید در خدمت رهبری قرار بگیرند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران گفت: تشخیص من این است که تأیید صلاحیت پزشکیان هوشمندی رهبری است و نه چیز دیگر، این هوشمندی که به خرج داده شد، به شورای نگهبان و دولت آقای رئیسی نمی‌آید، به وزیر کشور هم نمی‌آید. این هوشمندی شخص مقام معظم رهبری بود که تشخیص درستی دادند و منحنی مشارکت در انتخابات از ۹۸-۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ منفی با شیب تند بود. یعنی در ۱۴۰۲ بعد از کسر آرای باطله به ۲۲ درصد مشارکت رسیدیم. اگر این روند ادامه پیدا می‌کرد و کسی مانند آقای پزشکیان نمی‌آمد و اصلاح‌طلبان به صحنه سیاسی بر نمی‌گفتند، این مشارکت درست است که ۵۰ درصد است، ولی به زیر ۲۵ درصد می‌رفت و اصلاً برای امنیت ملی و نظام مناسب نبود.

سیدحسین مرعشی با بیان اینکه رهبری با این تدبیرشان این منحنی را صعودی کردند. از ۲۲ درصد به ۴۰ درصد رسیدیم و بعد در مرحله دوم به ۵۰ درصد رسیدیم تأکید کرد: این یک بعد از این تصمیم کلی نظام بود. یک بعد هم این بود که آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۲ رسماً اعلام کردند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند. این شد یک نقطه. اگر در سال ۱۴۰۳ هم یک نقطه دیگر گذاشته می‌شد و شرکت نمی‌کردند حاصل اتصال این دو نقطه می‌شد خط خروج از نظام. رهبری تدبیر کردند که آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان را به‌عنوان فعالان سیاسی به خانواده جمهوری اسلامی برگردانند.

در ادامه این گفت‌وگو، سیدحسین مرعشی از این سخن گفت که همان پزشکیانی که در مجلس دادو فریاد خود را زده، از حق دختری به نام مهسا امینی هم دفاع کرده، ولی به نظام تعرض نکرده است. آقای پزشکیان اگر پزشکیان بماند، کشور هم ظرفیت دارد. این کشور آنقدر نیروی تربیت شده و دارای ظرفیت دارد که می‌توانید یک کابینه بسیار کارآمد و پرتحرک را شکل دهید، بدون اینکه متعرض به نهادهای بالادستی شود. لازم نیست طوری رفتار کنیم که قدرت کشور از پشت دولت کنار برود. آقای پزشکیان الان باید با ابزار کارآمدی مردم را به صحنه بیاورد و جذب کند و نگه دارد و مسائل آنها را حل کند.

او در گریزی به احتمال مذاکره ایران و آمریکا هم بر این باور است که مذاکره با آمریکا فراتر از دولت بایدن یا دولت جمهوری‌خواه احتمالی آینده است. ما یک اصولی داریم که براساس آن، تصمیمات را نظام گرفته است و تاکنون موفقیت‌های خوبی داشته و اتفاق خاصی قرار نیست که رخ دهد. وی همچنین تأکید می‌کند که اصلاح‌طلبان نیاز ندارند که آقای پزشکیان به آنها پست بدهد یا ندهد.

او در پاسخ به این سوال که می‌گویند، اعضای جبهه اصلاحات و احزاب اصلاح‌طلب از آقای پزشکیان انتظار و مطالبه دارند که در دولت چهاردهم حضور داشته باشند. آیا شما این را منطقی می‌دانید؟ شما به عنوان کارگزاران چه توقعی از دولت دارید؟ وزارتخانه می‌خواهد؟ تأکید کرد: من صریح خدمت آقای پزشکیان نظرم را گفتم که همه کسانی که به شما در انتخابات کمک کرده‌اند باید بدانند که مدیون شما نیستند، هیچ بدهی به ما ندارند. ما شما را بهانه کردیم که از خودمان دفاع کنیم، شما حضور پیدا کردید، ما از جناح خودمان رفتیم با مردم ارتباطات را تقویت کردیم و پیروز شدیم، شما پیروز شدید و ما از حاشیه به متن آمدیم.

#### بهترین کابینه بعد از انقلاب، کابینه اول هاشمی است

در ادامه مرعشی از این سخن گفت که اصلاح‌طلبان نیاز ندارند که آقای پزشکیان به آنها پست بدهد یا ندهد زیرا اصلاح‌طلبان برد خود را کرده‌اند و توانسته‌اند در یک انتخابات با مشارکت ۵۰ درصد پیروز شوند. تا قبل از آن می‌گفتند، در انتخابات زیر ۶۰ درصد اصلاح‌طلبان شانس ندارند؛ در یک انتخابات ۵۰ درصد هم اصلاح‌طلبان برنده انتخابات و در خدمت آقای رئیس‌جمهور هستند. به گفته او، مساله‌ای که درحال حاضر برای ما اهمیت درجه یک دارد، این است که دولت آقای پزشکیان، دولت کارآمدی داشته باشد و بتواند مردم را مجدداً بیشتر جذب کند؛ نه اینکه ۵۰ درصد را حفظ کند و بالاتر از آن نرود. لذا اصلاح‌طلبان این مساله را به خوبی درک می‌کنند و برایشان مهم نیست که ترکیب کابینه چه وضعیتی داشته باشد. مهم این است که ترکیب کابینه، افکار عمومی را قانع کند و حداقل از این ۵۰ درصد که ۵۴ درصدشان به آقای پزشکیان رای داده‌اند، فایده شوند که دارد درست عمل می‌کند و بعد نتایجش را ببینند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران با بیان اینکه دو سال اول رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و ریاست جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی، کشور بهترین شرایط مدیریتی را داشت، گفت: در آن روزها آقای هاشمی می‌گفتند زیر آسمان نبود هیچ‌کس بهتر از آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبری نیست. در جلساتی که آن زمان خدمت حضرت آقای خامنه‌ای بودیم و من استاندار بودم، ایشان می‌گفتند: من از خواب می‌پریم به خاطر مشکلاتی که کشور با آن مواجه است، یاد می‌آید که آقای هاشمی رئیس‌جمهور است، آرام می‌شوم و می‌خواهم. وی افزود: آنقدر این دو نفر به هم کمک می‌کردند و اختلافی بین‌شان نبود. آن دو سال کشور رشد اقتصادی ۱۱/۵ درصد و ۸/۵ درصد را تجربه کرد. بنیان خیلی از کارهایی که گذاشته شد برای دو سال اول است و بعد از آن دیگر تکرار نشد.

مرعشی معتقد است که بهترین کابینه بعد از انقلاب، کابینه اول آقای هاشمی است. مهندس غرضی، وزیر پست و تلگراف و تلفن بود که برای خودش پلی بود. آقای زنگنه وزیر نیرو، آقای آقازاده وزیر نفت، آقای خاتمی وزیر ارشاد، آقای معین وزیر علوم و آقای نوری وزیر کشور بودند. مرحوم آقای نژادحسینیان حضور داشت که یکی مانند او در سیستم کشور دیگر نداریم. مهندس نعمت‌زاده یا آقای محمودی بودند، می‌شد به این وزرا تکیه کرد و آن کابینه بود که شرایط ایران بعد از جنگ را توانست تغییر دهد.

مرعشی درباره یکی از وعده‌های مهم پزشکیان در ایام انتخابات، یعنی بحث رفع فیلترینگ و جمع کردن گشت ارشاد و حتی FATF و اختیاراتی که برای این قبیل اقدامات دارد، گفت: با اطلاعاتی که از مواضع رهبری داریم و سخنانی که چند روز پیش مقام معظم رهبری داشتند امکان دارد. در تجربه گذشته هم بوده که در دوره اول رؤسای جمهور از دولت‌ها حمایت کرده‌اند و بعداً دولت‌ها نتوانسته‌اند این حمایت را حفظ کنند، ولی هم دولت آقای خاتمی در دوره اول مورد عنایت بود و هم دوره اول آقای روحانی. به نظر

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گپ‌وگفتی با محمد مهاجری که خبرنگار لاین آن را منتشر کرده است از نزدیکی رهبری و پزشک‌های سخن گفت و تأکید کرد نباید بین نفر اول و دوم نظام شکافی باشد.

مرعشی پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری را بسرد اصلاح‌طلبان می‌داند اما تأکید می‌کند که سرتوشت جریان اصلاحات به دولت چهاردهم گره خورده است؛ او بسا طعنه به اصولگرایان هم می‌گوید: «تا قبل از آن می‌گفتند در انتخابات زیر ۶۰ درصد اصلاح‌طلبان شانس ندارند؛ در یک انتخابات ۵۰ درصدی هم اصلاح‌طلبان برنده انتخابات هستند و در خدمت آقای رئیس‌جمهور هستند».

مهم‌ترین مساله‌ای که مرعشی نگران آن است، این است که در ایران اعتماد به نفس کاذب خیلی از نیروهای میانی کشور، انتظارات را بالا برده است. یک نفر را در خیابان هم نمی‌بینید که اگر به او بگویید وزیر صمت شود، بگوید این کار را بلد نیستم و تجربه ندارم. هر کسی که به او برخورد می‌کنید علاقه‌مند است، وزیر شود. «دولت موتازی» اصطلاحی است که مرعشی در این گفت‌وگو به کار می‌برد و می‌گوید: «دولت ملی مفهومی است که در شأن ملت ایران به لحاظ سطح کارآمدی و تجربه‌اش باشد. ولی اینکه چند اصولگرا و اصلاح‌طلب و اعتدالی با هم موتاز کنید، این دولت خوبی نمی‌شود. دولت علاوه بر اینکه اجزایش مهم است، ترکیب دولت و کلیت آن هم مهم است».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران درخصوص شایعاتی که برای معاون اول شدنش در کابینه چهاردهم مطرح است، گفت که من یک مشی روشن همیشه داشته‌ام، کاری که روی زمین نمانده باشد به من نمی‌آید که بردارم. خوشبختانه هم برای پست معاون اول و هم برای سایر پست‌ها به اندازه کافی افراد شایسته‌ای که آمادگی داشته باشند و مسئولیت بگیرند، وجود دارد. آن‌طور که از این سخنان مشخص است، ترجیح سیدحسین مرعشی بر این است که بدون پست رسمی بتواند تجربه و ایده‌هایش را برای آینده که خیلی نیز برایشان اهمیت قائل است را در اختیار کابینه پزشکیان و شخص خودش بگذارد.

#### سن کابینه‌ها در دنیا بالاست

این روزها برخی جوان‌گرایی را یکی از امتیازهای مثبت برای کابینه پزشکیان می‌دانند و اعتقاد دارند که پست‌های وزارت به جوانان و وزیر اولی‌ها داده شود بر همین اساس سیدحسین مرعشی در پاسخ به این پرسش که آیا این قاعده در کل دولت قابل تسری است و اگر هست در چه وزارتخانه‌هایی می‌توان از وزیر اولی استفاده کرد، می‌گوید: «اگر وزیر اولی را این‌طور قلمداد کنیم که کسی را به عنوان وزیر انتخاب کنیم که حداقل ۱۰ الی ۱۲ سال معاون وزیر بوده به نظر خوب است؛ اما اگر تصور این باشد که به سراغ کسی برویم که مراحل رشد خود را در سیستم طی نکرده باشد و ابتدا به ساکن او را به عنوان وزیر انتخاب کنیم باید فردی باشد که با استعداد فوق‌العاده بالایی داشته، تجربه‌ای در خارج از بخش دولتی و در بخش خصوصی داشته باشد؛ اما چنین افرادی نداریم».

به اعتقاد دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، اساساً وزارتخانه‌ها را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم. یک دسته وزارتخانه‌هایی هستند که وزیرانش باید سیاسی باشند مانند وزیر کشور و وزیر امور خارجه که تکلیف‌شان مشخص است؛ یک‌سری وزارتخانه‌ها هم فنی اجرائی هستند مانند وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و حتی وزارت اقتصاد. کسانی که وزیر این وزارتخانه‌ها می‌شوند باید تجربه چند دوره معاون وزیری را داشته باشند و بعد یک وزیر موفق شوند. یک دوره معاون وزیری کفایت نمی‌کند. مرعشی می‌گوید که جوان‌گرایی خوب است اما اصلاً در دنیا سن کابینه‌ها بالاست، سن کابینه در ژاپن ۶۵ سال است و این‌طور نیست که افراد جوان را روی کار بگذارند. درحالی که آنجا سیستم‌ها کار می‌کنند نه شخص وزیر اما در ایران شخص وزیر خیلی تعیین‌کننده‌تر از سیستم است و سیستم‌ها به لحاظ فنی خیلی توانا نیستند. بنابراین جوان‌گرایی باید در بدنه دولت رخ دهد. در صف معاونان، استاندارها و حتی استاندارها یا معاونان وزرا می‌تواند باشند. اینکه فکر کنیم اگر وزن تجربی وزرا را پایین بیاوریم به نفع کشور است، حرف درستی نیست. در ادامه این گفت‌وگو، سیدحسین مرعشی درخصوص اینکه زمانی که رئیس دفتر هاشمی‌رفسنجانی بود حدود ۳۰ سال داشت، گفت: «من در آن زمان ۳۵ سال داشتم اما ۸ سال سابقه استانداری و ۴ سال سابقه معاون استانداری را هم داشتم. زمانی که به دفتر رئیس‌جمهور آمدم یک کارشناس تجربی مسلط بودم که می‌توانستم به رئیس‌جمهور به معنای واقعی کمک کنم. قرار بود در دفتر رئیس‌جمهور کارآموزی کنم. من ۸ سال‌نیم استانداری بودم و ۴ سال قبل هم معاون استانداری بودم و با تجربه کافی و شناخت از وزارتخانه‌ها وارد شدم».

دیدگاه: گزارش خارجی

پایان خونریزی در داگا

دادگاه عالی بنگلادش  
سه‌ماهه‌های مشاغل دولتی را لغو کرد

دادگاه عالی بنگلادش اکثر سهمیه‌های مشاغل دولتی که در هفته‌های اخیر منجر به اعتراضات مرگبار شده است را لغو کرد. این درحالی است که رسانه‌ها پیش از این تصمیم دادگاه عالی، از تداوم درگیری‌های پراکنده میان معترضان و نیروهای امنیتی خبر دادند. براساس گزارش رسانه‌های محلی بنگلادش، دادگاه عالی روز یکشنبه به دولت این کشور دستور داده تا سهمیه‌های مشاغل دولتی مربوط به خانواده‌های رزمندگان جنگ استقلال بنگلادش از پاکستان را از ۳۰ درصد به ۵ درصد کاهش دهد.

در این گزارش‌ها آمده است که ۲ درصد از فرصت‌های شغلی دولتی همچنان برای افرادی از گروه‌های به اصطلاح «عقب‌مانده و معلول» اختصاص دارد. بنابراین براساس تصمیم دادگاه عالی بنگلادش ۹۳ درصد از مشاغل دولتی برای افراد عادی خواهد بود که براساس توانایی و شایستگی و بدون سهمیه باید مشاغل دولتی را به دست آورند. دولت شیخ حسینبه در سال ۲۰۱۸ نظام سهمیه‌بندی مشاغل دولتی را لغو کرده بود اما دستگاه قضایی بنگلادش ماه گذشته این نظام را دوباره بازگرداند و موجب اعتراض‌های ضد دولتی شد. براساس آمارهای رسمی، تاکنون دست‌کم ۱۱۴ نفر در جریان این اعتراضات جان باخته‌اند و خانواده‌های قربانیان هیچ چشم‌اندازی در مورد پاسخگو کردن عوامل کشتار معترضان مقابل خود نمی‌بینند.

دلیل اصلی خشم دانشجویان از بازگشت نظام سهمیه‌بندی مشاغل دولتی، کمبود فرصت شغلی در بنگلادش برای فارغ‌التحصیلان است و دانشجویان معترض می‌گویند که دولت شیخ حسینبه در این شرایط قصد داشت که مناصب دولتی را به هواداران خود واگذار کند. هنوز مشخص نیست که معترضان به تصمیم دادگاه عالی بنگلادش چه واکنشی نشان بدهند اما در روزهای اخیر، تعلیق موقت اجرای این سهمیه‌ها از سوی یک دادگاه موجب فروکش کردن اعتراضات نشده بود.

اعتراضات اخیر فراتر از اعتراض به یک قانون خاص رفته و قدرت نخست‌وزیر که از ۱۵ سال پیش تاکنون بر سر کار است را نشانه رفته است. دولت شیخ حسینبه توسط مدافعان حقوق بشر متهم به سوءاستفاده از نهادهای دولتی همچنین حذف مخالفان خود است. محدودیت‌های گسترده‌ای که دولت او در روزهای اخیر وضع کرده از جمله منع آموشد، قطعی اینترنت، قطع ارسال پیامک زندگی عادی در این کشور ۱۷۰ میلیون نفری را مختل کرده است. در این راستا بسیاری از منابع خبری محلی در این کشور اعلام کردند با وجود اینکه دادگاه عالی بنگلادش روز یکشنبه اجرای سهمیه‌بندی مشاغل را لغو کرد اما تعداد بازداشت‌های اعتراضات در این کشور از مرز ۲ هزار و ۵۰۰ نفر گذشته است و در میان کشته‌شدگان نام چندین افسر پلیس نیز دیده می‌شود.

واکنش مقام‌های بنگلادش به اعتراضات به طور گسترده مورد انتقاد قرار گرفته است و محمد یونس، برنده بنگلادشی جایزه صلح نوبل، در بیانیه‌ای از رهبران جهان و سازمان ملل متحد خواست تا در حد توان هر کاری می‌توانند برای پایان دادن به خشونت انجام دهند. دیپلمات‌ها در داگا نیز اقدامات دولت بنگلادش را زیر سوال بردند. با این حال مقام‌های دولتی بارها معترضان و مخالفان را مسئول این ناآرامی‌ها معرفی کرده‌اند. این در حالی است که گروه دانشجویی اصلی که رهبری تظاهرات اخیر را بر عهده داشت به مدت ۴۸ ساعت اعتراضات را به حالت تعلیق درآورد و رهبر آن صراحتاً اعلام کرد که آنها چنین اصلاحاتی را «به قیمت این همه خون ریخته شده» نمی‌خواستند. در این راستا بسیاری از والدین دانشجویان بازداشت شده به رسانه‌های محلی اعلام کردند که هنوز از وضعیت فرزندان خود هیچ خبری ندارند.

بی.بی.سی



تعویق حکم جلب

دیوان کیفری بین‌المللی تصمیم گرفت، صدور حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر جنگ اسرائیل را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در غزه به تعویق بیندازد تا فرصتی برای اعلام نظرات حقوقی بیشتر فراهم شود. این اقدام پس از آن صورت گرفت که بیش از ۶۰ کشور و سازمان خواستار تعویق صدور حکم برای ارائه اعتراض خود در مورد درخواست بازداشت شدند.



حمله به اوپاما

دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری خواه گفت: شکی نیست جو بایدن توسط اعضای ارشد این حزب از جمله «باراک اوپاما» که «نمی‌توانند او را تحمل کنند»، وادار به خروج از رقابت‌های انتخاباتی شد. نه اوپاما چشم دیدن بایدن را دارد، نه بایدن چشم دیدن او را. اوپاما و نانسی پلوسی در این زمینه نقش داشتند چراکه او گفته بود، قرار نیست از بایدن حمایت کند.



تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ

وزارت کشور آلمان با ادعای اینکه مرکز اسلامی هامبورگ اهداف اسلام افراطی را دنبال می‌کند، فعالیت‌های این انجمن و نهادهای زیرشاخه آن را ممنوع کرد. روتیز نیز با استناد به بیانیه وزارت کشور آلمان اعلام کرد که ۵۳ ساختمان این سازمان با حکم دادگاه در ۸ ایالت تقبش شد. علاوه بر مرکز اسلامی هامبورگ، فعالیت زیرشاخه آن در فرانکفورت، مونیخ و برلین نیز ممنوع شد.

مجازات اوربان

مجارستان به دلیل اتخاذ مواضع در قبال جنگ اوکراین از میزبانی نشست وزرای خارجه و دفاع اتحادیه اروپا محروم شد



کمتر از یک ماه پیش مجارستان ریاست دوره‌ای شورای اتحادیه اروپا را به مدت ۶ ماه به عهده گرفت. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان و الکساندر دی کرو همتای بلژیکی وی در اولین روز از ماه جولای در آیین تحویل ریاست شورای اتحادیه اروپا که در بروکسل برگزار شد، حضور پیدا کردند و بدین ترتیب مجارستان ریاست دوره‌ای شورای اتحادیه اروپا را از بلژیک تحویل گرفت. در آن زمان اوربان پس از آنکه ریاست دوره‌ای شورای اتحادیه اروپا به مجارستان رسید، در شبکه ایکس (تویتر سابق) نوشت: «همه خوشحال هستند که نوبت ما رسیده تا بار دیگر اروپا را بزرگ کنیم». این موضع اوربان زمانی اتخاذ شد که او چندی قبل هم در انتخابات سراسری اروپا توانست قدرت سیاسی خود در این کشور را تقویت کند؛ چراکه براساس آخرین آمارهای منتشر شده از انتخابات پارلمان اروپا، عمده احزاب راست‌گرای حاضر در قاره سبز توانستند به هر ترتیب قدرت خود را تحکیم ببخشند که در مجارستان همانند فرانسه، آلمان و حتی هلند و اتریش هم چنین اتفاقی رخ داد که در نهایت به نفع نخست‌وزیر راست‌گرای این کشور تمام شد.

آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که اساساً ویکتور اوربان یک شخصیت راست‌گرای است که به نوعی از ترامپ و مکتب فکری او تبعیت می‌کند. زمانی که دونالد ترامپ در کاخ سفید ساکن بود، اوربان به راحتی در اتحادیه اروپا یک‌تاز می‌کرد و هر بار هم موضع راست‌گرای خود را در موافقت با دستورالعمل سیاسی ترامپ پیش می‌کشید. ترامپ در زمانه خود به نوعی اوربان را یک متحد کلیدی برای خود می‌دانست؛ چراکه موقعیت جغرافیایی مجارستان در اتحادیه اروپا به گونه‌ای است که به راحتی می‌تواند یک شکاف دقیق را از حیث سیاسی به کشورهای اروپای مرکزی و غربی تحمیل کند و از سویی بوداپست به دلیل عضویت در ناتو یکی از کشورهای به شمار می‌رود که به راحتی می‌تواند در هرگونه تصمیم‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دخالت کرده و خلل ایجاد کند.

ترامپ از این امکان‌هایی که مجارستان تحت هدایت اوربان داشت به نفع خود استفاده کرد و به نوعی «آزار سیاسی اتحادیه اروپا» را راهبری کرد. در این راستا بعد از به روی کار آمدن جو بایدن در کاخ سفید و به راه افتادن جنگ اوکراین، شاهد آن بودیم که مجارستان و شخص اوربان با همان مواضع راست‌گرای خود به سمت وسویی رفتند که به صورت مشهود به نفع ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه بود. واقعیت غیرقابل کتمان این است که ویکتور اوربان به صورت کاملاً مشهود به پوتین و روسیه گرایش و کشش سیاسی دارد و در این راستا کوشیده تا بتواند مسکو را در غیاب ترامپ از خود راضی نگه دارد و در نهایت فضایی را خلق کند تا بتواند از این روند به نفع خود منافع را کسب کند. به عنوان مثال مجارستان دقیقاً یک ماه پیش با طرح اتحادیه اروپا مبنی بر خرید سلاح برای اوکراین با سود حاصل از دارایی‌های مسدود شده روسیه مخالفت کرد و این روند را تا وتوی طرح مذکور پیش برد. این اقدام بوداپست باعث شد تا بحث پرداخت ۵۰ میلیارد دلار توسط کشورهای اروپایی به اوکراین که قرار است



سراسر اروپا را جذب این ائتلاف کند تا به بزرگ‌ترین جریان راست‌گرای پارلمان اروپا تبدیل شوند. این اقدام اوربان را اگر کنار ضدیت وی با ناتو قرار دهیم به خوبی می‌بینیم که او باز هم به عنوان یک مهره شطرنج درحال حرکت براساس منافع مسکو است. اوربان بارها در حمایت قاطع از روسیه به این نکته اشاره کرده که ناتو در تلاش برای خاموش کردن آتش با استفاده از آتش است! جمع این موارد و تحرکات اوربان از نظر سایر کشورهای اروپایی نوعی از ایجاد خلل در اتحادیه اروپا به حساب می‌آید و در این راستا آنها معتقدند که وی در مدت ۶ ماهی که قرار است ریاست دوره‌ای شورای اروپا را به عهده بگیرد، دقیقاً سعی می‌کند تا به هر ترتیب که شده، انسجام اروپایی و حتی هویت اروپایی را مورد هدف قرار دهد که در صدر این پروژه جنگ اوکراین قرار دارد.

به همین دلیل حالا اروپایی‌ها سعی کردند تا در همین ابتدای کار، شمشیر را برای اوربان و مجارستان از رو ببندند. بر این اساس جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا (چهارشنبه) اعلام کرد به دلیل مواضع نخست‌وزیر مجارستان در قبال جنگ اوکراین، این کشور اجازه میزبانی نشست آتی وزیران خارجه و دفاع اتحادیه اروپا را نخواهد داشت؛ چراکه از مجموع ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ۲۵ کشور با مواضع اوربان درخصوص جنگ اوکراین مخالف هستند و اسلواکی تنها کشور اروپایی بوده که از اوربان حمایت کرده است. این نشست‌های غیررسمی هر ۶ ماه یک بار برگزار می‌شود و وزیران اروپایی به بررسی مسائل بین‌المللی و تاثیر آن بر امنیت و اقتصاد اتحادیه می‌پردازند. براساس آنچه منابع اروپایی اعلام کردند، این تصمیم کشورهای قاره سبز در واقع نوعی واکنش به سفرهای اوربان به چین و روسیه قلمداد می‌شود که وی از آنها به عنوان «ماموریت صلح» نام برده است. رهبران اتحادیه اروپا اعلام کردند که در جریان این سفرها قرار نداشتند و اقدامات و دیدارهای اوربان بدون هماهنگی با آنها انجام شده و او اساساً مأموریتی برای برقراری صلح میان روسیه و اوکراین نداشته است. حال باید دید که این مجازات اروپا علیه مجارستان می‌تواند، تغییر محسوسی در رفتار اوربان که ۱۴ سال است قدرت را در بوداپست در دست دارد، شود یا خیر!

تا پایان سال جاری میلادی اجرایی شود با خلل رویه‌رو شود اما در نهایت اعضای اتحادیه اروپا موافقت کردند که ۱/۴ میلیارد یورو (۱/۵ میلیارد دلار) از سود حاصل از دارایی‌های مسدود شده روسیه برای ارائه کمک‌های تسلیحاتی و ... به اوکراین استفاده کنند؛ چراکه به گفته جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، مجارستان در این تصمیم‌گیری مشارکت نداشته و نیازی نیست در اجرای این طرح هم مشارکت کند.

برخورد مستقیم با بوداپست

با نگاهی به این روند باید متوجه شد که اساساً مجارستان تحت فرمان ویکتور اوربان حداقل در پرونده اوکراین بنا ندارد که براساس خط و خطوط بروکسل پیش برود و در این راستا به دنبال آن است تا بتواند منافع مسکو را در این بلوک سیاسی - اقتصادی تأمین کند. بر همین اساس اولین شخصی که از ریاست دوره‌ای شورای اروپا توسط مجارستان خوشحال شد بدون‌شک، ولادیمیر پوتین و در کل کرملین بود. اوربان در طول حدود یک ماه گذشته به نوعی سعی کرد تا بتواند هر آنچه در چنته دارد را به نفع شرق، یعنی روسیه و چین در قضیه اوکراین رو کند. او پس از آنکه کشورش ریاست دوره‌ای شورای اروپا را تحویل گرفت در ابتدای امر به روسیه و چین سفر کرد تا بتواند درخصوص پرونده اوکراین یک مانور تبلیغاتی - سیاسی را از خود بروز و ظهور دهد؛ تا جایی که اوربان در مسکو و پکن دائم بر این محور متمرکز شد که باید او را به عنوان ارائه‌دهنده یک طرح صلح و آتش‌بس جدید خطاب کنند که البته در این راستا اعضای اتحادیه اروپا هم ساکت نشستند و اعتراض‌هایی علیه او مطرح کردند.

اقدام دیگری که اوربان در طول این چند هفته در دستور کار قرار داد، تلاش برای ایجاد یک ائتلاف مستحکم ناسیونالیستی با جمهوری چک و اتریش بود. او که یک روز پیش از آغاز ریاست دوره‌ای کشورش بر شورای اتحادیه اروپا به وین سفر کرده بود، ایجاد ائتلافی تحت عنوان «میهن‌پرستان برای اروپا» متشکل از حزب خود (فیدز)، «حزب آزادی» اتریش همچنین حزب «آتو» به ریاست اندری بابیس، نخست‌وزیر سابق چک را مطرح و ابراز امیدواری کرد که شرکای دیگر از

دریچه: تحلیل عادات

عادات‌های اتمی

عادت اسارت یا آزادی است؟



حسن محرابی  
پژوهش‌گر

بسیاری از ما در مسیر زندگی اسیر یک رویه مداوم به نام عادت می‌شویم. در حقیقت هر رفتار یا عملی که به‌طور منظم انجام می‌دهیم به عنوان یک عادت به حساب می‌آید. از نوشیدن چای به محض رسیدن به خانه گرفته تا مسواک زدن قبل از رفتن به رختخواب. برخی عادات می‌توانند سلامت جسمی و روانی را تقویت کنند اما برخی دیگر ممکن است، تأثیر منفی بر زندگی داشته باشند. به همین جهت ضروری است عادت‌هایی که به ما کمک نمی‌کنند را تغییر دهیم و عادت‌های جدیدی که به ما کمک می‌کنند را مورد توجه قرار دهیم.

دانشمندان آن‌چه را در مغز ما به عنوان عادت شکل می‌گیرد مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها می‌گویند عادت نقش مهمی در سلامت ما دارند اما نکته مهمی که کارشناسان بر آن تأکید می‌ورزند، درک بیولوژیکی از چگونگی شناسایی و تغییر عادت‌هایی است که ممکن است برای ما مضر باشند. همچنین چگونگی شکستن این روال‌ها و پذیرش برنامه‌های جدید می‌تواند به ما کمک کند سبک زندگی خود را تغییر دهیم و رفتارهای سالم‌تری اتخاذ کنیم. در واقع عادت‌ها می‌توانند از طریق تکرار ایجاد شوند. آن‌ها بخشی عادی از زندگی هستند و اغلب مفید هستند. ما هر روز صبح از خواب بیدار می‌شویم، دوش می‌گیریم، موهایمان را شانه می‌کنیم یا دندان‌هایمان را مسواک می‌زنیم. همه این کارها را بدون این‌که به جزئیات آن توجه داشته باشیم، انجام می‌دهیم. سپس می‌توانیم در مسیرهای آشنا با هدایت‌گر خودکار ذهنی رانندگی کنیم، بدون اینکه واقعاً به مسیرها فکر کنیم. بر این اساس وقتی رفتارها خودکار می‌شوند به ما مزیتی مهم می‌دهند زیرا مغز مجبور نیست از فکر آگاهانه برای انجام بسیاری از فعالیت‌های مستمر استفاده کند. این موضوع باعث می‌شود، مغز ما روی چیزهای مختلف دیگری نیز تمرکز کند اما تکرار یک عمل و عادت می‌تواند، نتیجه منفی هم داشته باشد؛ مثلاً عادت به سیگار کشیدن که برای سلامتی مضر است. در مراتب بالاتر عادت‌ها که مانع از تفکر وسیع می‌شوند مضر هستند.

در هر حال هنگامی که یک عادت بد را تشخیص دادیم راه‌هایی وجود دارد که می‌توانیم بر آن غلبه کنیم. اولین قدم برای تغییر عادت‌های منفی، شناخت موضوع است. اگر می‌دانیم یک عادت به‌طور منفی روی فرد تأثیر می‌گذارد آن را باید تصدیق کنیم و تصمیم بگیریم، تغییری برای بهتر شدن ایجاد کنیم؛ یعنی یک روال جدید برای جایگزینی روال قبلی. در حقیقت باید به این درک رسید که تعویض یک روال با روال دیگر مفید است. هم‌چنین باید آگاه بود که ترک یک عادت سخت و بازگشت به الگوهای قدیمی آسان است. وقتی این تغییر تثبیت شد و اتفاق افتاد، تلاش برای تغییر آغاز می‌شود و باید بر بازگشت به روال جدید تمرکز کرد. به همین دلیل پذیرش تغییر عادت‌ها یک ذهن آگاهی و یک راه عالی برای تمرکز و انگیزه روی کارهای متفاوت و جدید نیاز دارد. از طرف دیگر برای این‌که یک عادت برای انسان طبیعی شود، زمان و تلاش لازم دارد و اگر تغییر عادت را نیز بخواهیم انجام دهیم ممکن است این زمان بیشتر شود. در این مرحله نیز پشتکار نیاز است. البته روشن است که عادت فقط مربوط به حوزه فردی و شخصی نیست بلکه در نظام مدیریت هم عادت‌ها نقش موثری دارند. در این بخش همان‌گونه که تأثیر عادت‌ها گسترده‌تر است، تغییر آنها نیز مشکل‌تر خواهد بود. برای تغییر عادت در سیستم مدیریت باید فعالانه عمل کرد و تمرکز داشت. هم‌چنین در مورد آن‌چه می‌خواهیم انجام دهیم، فکر و برنامه‌ریزی کنیم و آن تغییر عادت‌ها را مرحله به مرحله اجرا کنیم. برای انجام این نوع تغییر عادت، انرژی زیادی لازم است و باید تا رسیدن به نتیجه مطلوب پایداری کرد. بنابراین تغییر عادت مثل خود عادت ارزشمند است. روزهای ما پر از الگوهای رفتاری معمولی است. ما به‌طور ناخودآگاه برای انجام کاری که همیشه انجام می‌دهیم، راهنمایی شده‌ایم. مغز فردی که اسیر یک عادت شده یک پیام فوری به سیستم ارسال می‌کند که می‌گوید، بیاید دوباره این کار را انجام دهیم! بدین ترتیب مغز به تکرار این الگو ادامه خواهد داد. درحالی‌که روشن است، امروزه پیشرفت و تحول مدیون بهره‌گیری از نوآوری و خلاقیت است و نتیجه انجام مکرر یک کار از روی عادت، تحول نیست.

# نسخه‌شناس بزرگ

بزرگداشت عبدالله انوار در صدمین سال تولدش و افتتاح تالاری به نام او در سازمان اسناد و کتابخانه ملی



علاقه‌مندان به او وجود داشته باشد. او در حوزه علمی و تخصص‌های مختلف صاحب‌نظر و از شخصیت‌های علمی کشور بود. وجود او در فهرست‌نویسی به تعالی فرهنگ کمک کرد. فهرست‌نویسی او با افراد دیگر متمایز است و او بسیار عمیق کار کرده است، تفاوت کار او با دیگران عمق علاقه او به کار و تحقیق را نشان می‌دهد. او با این‌که معلم رسمی دانشگاه نبود اما منزلت‌ش مرکز تعلیم بود. کتاب‌داری، معلمی و تعلیم افراد و روش تحقیق در رفتار او بارز است. ما تجربه آثار استاد انوار و دیگران را داریم اما از لحاظ فهرست‌نویسی در کل ضعیف هستیم. چه کسانی باید افرادی را تربیت کنند تا فهرست‌نویسی عمیق داشته باشند. فهرست‌نویسی به افراد اهل مطالعه کمک می‌کند و این فهرست‌ها، منابع دقیق را نشان می‌دهند و بهترین معلم‌ها و راهنما هستند. از اهل تحقیق درخواست می‌کنم که راه او را پیش بگیرند و به کار خود عمق ببخشند. هنوز هزاران نسخه خطی وجود دارد که فهرست‌شان کامل نیست و فهرست‌نویسی علمی نشده است. کتابخانه ملی باید به عنوان متولی، افرادی را تربیت کند که در کار فهرست‌نویسی متخصص شوند. کار فهرست‌نویسی، کار ساده‌ای نیست و در جهان اعتبار علمی دارد. ناگفته نماند که برگزاری چنین مراسمی، نشویقی برای جوان‌ترهاست. بسیاری از نسخه خطی ما آنچنان که باید معرفی نشده و این گام مثبت باید برداشته شود.»

قاجار، فقه، فلسفه و تهران‌شناسی به نگارش درآمده است. سیدعبدالله انوار که ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ درگذشت، عمر خود را به پژوهش، آموزش و تصحیح متون گذراند و مدت ۲۰ سال رئیس بخش نسخه خطی کتابخانه ملی بود و در این مدت ۱۰ جلد از فهرست نسخه خطی کتابخانه ملی را منتشر کرد. نجفقلی حبیبی، عضو هیأت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم در این مراسم گفت: «استاد انوار از بزرگان کشور بود و سابقه طولانی در کتاب، کتاب‌خوانی، فهرست‌نویسی و تربیت جوانان داشت.» او با بیان این‌که استاد انوار سال‌ها عمرش را در کتاب و کتاب‌داری سپری کرد، افزود: «امروز دو کار بزرگ انجام گرفته است، اول فرصتی فراهم شد تا قدر زحمات او را بدانیم و دیگر این‌که به یاد او سالنی افتتاح شد و یاد او زنده خواهد ماند. اواخر سال ۱۳۴۰ به عنوان دانشجو در ساختمان قدیم کتابخانه ملی به حضور او رسیدیم، در بین کتاب‌ها نشست بود و به نوعی در بین کتاب‌ها غرق شده بود، به عنوان یک دانشجو سلام کردم، او با بزرگواری پاسخ داد و بسا مهربانی با من برخورد و مرا راهنمایی کرد. او با بزرگواری افراد را می‌پذیرفت و با آن‌ها برخورد می‌کرد. استاد انوار چند بار بیان کرده بود که مسئولیت کتابخانه‌ام را می‌خواهم به تو بسپارم اما من قبول نکردم و گفتم کار به این بزرگی از عهده من خارج است. سپاسگزارم که امروز این فضا افتتاح شد تا مکانی برای تمام

تالار استاد سیدعبدالله انوار مشتمل بر کتابخانه شخصی آن مرحوم به مناسبت صدمین سال تولد این استاد فقید در مرکز مطالعات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی ایران با حضور علی‌اکبر اشعری، احمد مسجدجامعی و... افتتاح شد. غلامرضا امیرخانی، مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این مراسم، گفت: «مرحوم عبدالله انوار متولد ۱۳۰۳ بود و این اقدام در سال ۱۴۰۳ به مناسبت بزرگداشت مقام این استاد فقید در صدمین سال تولدش صورت می‌پذیرد. کتابخانه استاد انوار دربرگیرنده حدود ۶ هزار جلد کتاب اعم از فارسی، عربی، لاتین هم‌چنین کتاب‌های چاپ سنگی و خطی است که بنا بر وصیت او به کتابخانه ملی ایران منتقل شده است. حاشیه‌نویسی این استاد فرزانه بر بسیاری از کتاب‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه است که برای پژوهش‌گران می‌تواند حائز اهمیت باشد.» غلامرضا امیرخانی هم‌چنین عنوان کرد که ارجح‌نامه سیدعبدالله انوار با عنوان «آسمان معرفت» در دو جلد و حدود ۱۳۰۰ صفحه به زودی چاپ و رونمایی خواهد شد. ارجح‌نامه عبدالله انوار دربرگیرنده مقالاتی درباره مرحوم انوار و یا مقالاتی است که به ایشان اهدا شده؛ این مقالات توسط نویسندگان و پژوهش‌گران و مترجمان برجسته داخلی و خارجی در حوزه نسخه‌های خطی، تاریخ معاصر و تاریخ

# تأثیر عطار بر گلستان

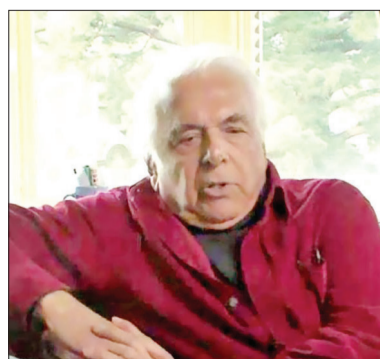
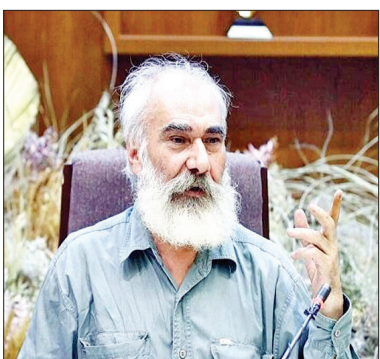
یوسفعلی میرشکاک در درس گفتارش عنوان کرد

می‌شود. به قول حافظ: «چو قسمت ازلی بی‌حضور ما کردند / گرد اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر». میرشکاک همچنین در سی و پنجمین درس گفتارهای زیبایی‌شناسی زبان فارسی نیز که هم‌زمان اما مجزا با درس گفتارهای شاهنامه و با ارائه او برگزار می‌شود به نثر آهنگین عطار نیشابوری در تذکره‌الاولیا و تأثیر آن بر نثر موزون ابراهیم گلستان پرداخت. این پژوهشگر و شاعر در پایان جلسه درس گفتارهای زیبایی‌شناسی زبان فارسی که در آن به هزار سال نثر پارسی پرداخت می‌شود ضمن اشاره به ادامه بحث نثر آهنگین عطار در تذکره‌الاولیا در جلسات آینده این درس گفتارها گفت: «از این پس با یکی از متون کهن آشنایی پیدا می‌کنیم و علاوه بر مرور هزار سال نثر پارسی به بررسی کتاب‌هایی می‌پردازیم که کریم کشاورز در کتاب «هزار

شهر نامبارک است. هنگام بازدید پیران و سیاوش از شهر، پیران از شگفتی‌های شهر شادمان است اما سیاوش به گریه می‌افتد و از کشته شدن خود به دست افراسیاب سخن می‌گوید. پیران با خود می‌اندیشد اگر چنین اتفاقی بیفتد من مقصرم که او را به توران زمین کشاندم و حرف افراسیاب را باور نکردم. بعد طبق معمول خرد چاره‌اندیشی و تدبیرگر خود را با این پندار می‌فرید که سیاوش به غم غریب و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. جالب اینجاست، نه خرد یا عقل متعارف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌تواند در سرنوشت ایجاد کند. اما تفاوت این دو خرد در این است که دارنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد برتر بهره‌مند و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت

هفتادوسومین جلسه درس گفتارهای شاهنامه سه‌شنبه دوم مرداد با حضور یوسفعلی میرشکاک، شاعر و پژوهش‌گر ادبی در دفتر یاسدانشت زبان فارسی حوزه هنری در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار شد.

میرشکاک در این جلسه در درس گفتارهای شاهنامه به بحث تضاد و تفاوت «خرد» و «خرد برتر» پرداخت و گفت: «پیران ویسه مظهر خرد و صلح است اما به پیش‌گویی‌های موبدان و سخن‌نیاکان که گفته‌اند از نژاد افراسیاب و کیتقباد، شهریاری پدید می‌آید که توران را ویران می‌کند، باور ندارد. افراسیاب به فز شهریاری خود، هم خواب دیده و هم از پدر خود پشنگ و دیگر بزرگان شنیده که این پیوند سخت شوم است. پیران، که وزیر و سپهسالار افراسیاب است، با «خرد چاره‌گر» خود به افراسیاب می‌گوید چگونه ممکن است از مردی چون سیاوش، فرزندی جهان‌آشوب پدید آید و به فرض که تقدیر چنین رقم زده شده باشد؛ نمی‌توانی از پیش آمدن آن جلوگیری کنی. به‌جای توجه به خواب و پیش‌گویی عقلمند را به کار بینداز و فرنگیس را به عقد سیاوش در بیاور. هنگامی که سیاوش شهر ویژه و شگفت‌آور خود را می‌سازد، با این‌که خود می‌داند، فرجامش چیست از موبدان می‌خواهد که طالع شهر و فرجام آن را گزارش کنند و موبدان هم می‌گویند این



سال نثر پارسی» چندان توجهی به آن‌ها نداشته است. در این‌گونه برگزیده‌ها، تأثیر ایدئولوژی حزب توده (مارکسیسم فلاپی وطنی) آشکار است. همان‌طور که در کتاب «سخن و سخنوران» بدیع‌الزمان فروزانفر، بحثی در خصوص دین و آئین و مسلک شاعران نمی‌بینیم و «ایران‌گرایی فلاپی» باعث شده که مرحوم فروزانفر وارد مقولات آئینی نشود. بنابراین باید مستقیم به سراغ آثار ماندگار شاعران و نویسندگان و مورخان رفت.

## گزارش سینمای ایران

### در کنار فردین

مراسم تشییع سعید راد برگزار شد



مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد سعید راد، بازیگر سینما و تلویزیون با حضور مردم و هنرمندان برگزار شد.

در ابتدای این مراسم علی دهکردی، مدیرعامل خانه سینما عنوان کرد: امروز خداوند میزبان سعید راد است و فردین بزرگ، بهمن مفید، ناصر ملک‌مطیعی بزرگ و ستاره‌های بزرگ سینمای ما، میزبان یک همیشه ستاره و ابرستاره به نام سعید راد هستند. سینما ستاره خود را از دست داد ولی ستاره خاموش‌شدنی نیست و اگر بپذیریم بازیگری عشق است، مطابق شعر هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق؛ این عشق پایان ندارد. پس از این محمد مهدی عسگرپور، رئیس هیات‌مدیره خانه سینما، گفت: امروز برای بدرقه ستاره درخشان سینمای ایران گردهم آمده‌ایم. فردی که عاشق وطن و هموطنان خود بود و در کار حرفه‌ای بسیار جدی بود. مجموعه اینها یک معجون تکرارنشدنی به اسم سعید راد را پدید می‌آورد. وی افزود: تقریباً دیگر آرزوی دست‌نیافتنی شده است. در مراسم بدرقه عزیزان و هنرمندان بگویم این عزیزان به خوبی و راحتی زندگی کردند. انگار عادی شده است در سختی زندگی کنیم و ممنوعیت‌های بی‌جهت بر عزیزان اعمال شود. همه با سختی‌های سعید راد آشنا هستیم اما این عشق به وطن بود که منجر به بازگشت سعید راد شد.

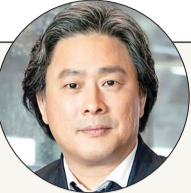
در ادامه پژمان بازغی، رئیس انجمن بازیگران ضمن تسلیت به خانواده راد، گفت: در اولین فیلمی که سعید راد بعد از ۱۸ سال بازی کرد با او همکاری داشتم و شاگرد او بودم و معتقدم این ستاره‌ها روشن‌تر راه جوانان سینما هستند. تعجب می‌کنم چهره‌های جوان سینما را در این مراسم نمی‌بینم تا قدرانی مناسبی از کسانی که چراغ سینما را روشن نگه داشتند، صورت بپذیرد. در ادامه مجری برنامه از باشگاه پرسپولیس تشکر کرد و با خطاب کردن رضا درویش و یادآوری ورزشکاری سعید راد، از حضور چهره‌های ورزشی مثل حمید استیلی و محمود خردبین برای حضور قدردانی کرد. پس از این سلام راد، پسر سعید راد گفت: قلب پدر من خوشحال است که شما را می‌بیند. سینمای ایران یک بازیگر محبوب و عقاب حرفه‌ای را از دست داد و ما نیز پدرمان را از دست دادیم. هر شخصی بین تاریخ تولد و تاریخ فوت یک خط تیره دارد، بابای من آن خط تیره را برای شما به خوبی زندگی کرد. از شما می‌خواهم طوری زندگی کنید هر که شما را به یاد می‌آورد به خوبی باشد.

پس از این نگاه راد، دختر مرحوم سعید راد نیز عنوان کرد: سعید راد هنرمندی بود که سال‌ها بر پرده درخشید، عشق او دورین بود و زندگی‌اش سینما، نفسش پرسپولیس و قلبش برای ما و نوه‌های من تپید. همه از ناخوش شدن پدر متعجب شدند و سوال پیش آمد که چطور سعید راد ورزشکار به واسطه زمین خوردن زمین گیر شد؛ ۱۰ ماه تمام من و خانواده با تمام قدرت و عشق به پدر خدمت کردیم تا جایی که به تشخیص دکتر، نگهداری از او از توان ما خارج شد و پدر را به کلینیک تخصصی و خصوصی سالمندان فرستادیم.

وی ضمن گلایه از قضاوت‌ها، مطرح کرد: متأسفانه قضاوت کردن برای آدم‌های بی‌فکر و کوته‌فکر مثل آب خوردن شده است. پدرم همیشه از این عادت غلط رنج می‌برد و خط قرمز او بود. این روزگاری که هر روز برای «علی‌خوشدست» مثل مردن بود. چشم انتظار بازگشت بود تا دوباره آن سعید راد پر قدرت شود و هر روز می‌پرسید نگاه، من خوب می‌شوم؟ حیف که این انتظار بی‌حاصل بود.

نگاه راد یادآور شد: سعید راد مثل فیلم‌های خود شخصیتی قوی، بی‌ریا با اعتماد به نفس و متکی به خود با عشق و شکوه بود و دوست نداشت با چهره دیگری از چهره به یادماندنی‌اش در سینما شناخته شود، از همین رو نمی‌خواست با کسی دیدار کند. درحالی که از درگذشت بی‌تأثری، آنیلا پسیانی و داریوش مهرجویی ناراحت و اندوهگین بود و کوچ ناهنگام رضا داوودنژاد، بغض او را ترکاند و برای او اشک ریخت.

دختر راد در پایان گفت: سعید راد ستاره‌ای که متولد شد و خواهد ماند. یاور همیشه مومن تو بر سفر سلامت، غم من مخور که دوریت برای من شده عادت.



### ساخت تبر چان ووک

رسانه‌های کره‌ای خبر ساخته شدن یک فیلم جدید توسط پارک چان ووک را اعلام کردند. گفته شده این فیلم با عنوان «تبر» (تبر) بازسازی فیلم فرانسوی کاستا-گواراس به همین نام است. این فیلم که گفته شده پروژه‌ای بوده که پارک برای ساختن اشتیاقی همیشگی داشته است. پارک ۶۰ ساله مغز متفکر سینمای کره و خالق فیلم‌هایی چون «اولد بوی»، «برفشکن»، «تصمیم به ترک» و «بانوی انتقام» است.



### داستان یک شوایه روی صحنه

«داستان یک شوایه» قرار است به یک نمایش موزیکال بدل شود و سال آینده در منجستر بریتانیا روی صحنه برود. این فیلم سال ۲۰۰۱ با بازی هیت لجر، پل بتانی و روفوس سوتل ساخته شده بود. لجر در این فیلم نقش دهقانی را بازی می‌کند که خود را یک نجیب‌زاده نشان می‌دهد. این نمایش از ۱۱ آوریل ۲۰۲۵ روی صحنه می‌رود.



### حمایت برلیناله از بنی اعتماد

صندوق جهانی سینمای برلیناله از پروژه سینمایی جدید رخشان بنی‌اعتماد با کمک ۴۰ هزار یورویی حمایت می‌کند. پروژه سینمایی «Red Mist Descending» فرود مه سرخ از رخشان بنی‌اعتماد یکی از پروژه‌هایی است که این کمک برای تولید دریافت می‌کند «منطقه بحرانی» از علی احمدزاده نیز ۸ هزار یورو برای کمک به توزیع فیلم در آلمان دریافت می‌کند. این پروژه بیش از این نیز برگرزیده صندوق فیلم آسیایسپیک شده بود.

# رجوع میازاکی به دوران کودکی

## پسر و مرغ ماهی خوار شخصی‌ترین اثر میازاکی است



انتشار خبر تولید «پسر و مرغ ماهی خوار» در سال ۲۰۱۶ موجی از هیجان را در میان طرفداران هایتو میازاکی و استودیو جیبلی ایجاد کرد. چراکه این فیلمساز افسانه‌ای در سال ۲۰۱۳ و پس از فیلم «باد برمی‌خیزد» اعلام کرد که قصد دارد بازنشتت شود. تولید «پسر و مرغ ماهی خوار» که احتمالاً آخرین فیلم میازاکی باشد حدود ۷ سال طول کشید. میازاکی در طول بیش از ۶ دهه فعالیت، آثار تحسین شده متعددی ارائه کرده و این فیلم دوازدهمین ساخته بلند و محسوب می‌شود. او همچنین یکی از بنیان‌گذاران استودیو جیبلی است که به خاطر انیمیشن‌های شگفت‌انگیز و داستان‌های خارق‌العاده‌اش محبوبیت بسیاری در سراسر جهان دارد. میازاکی که یک جایزه اسکار به خاطر فیلم فوق‌العاده محبوب «شهر اشباح» در کارنامه‌اش دیده می‌شود با «پسر و مرغ ماهی خوار» این فرصت را دارد تا دومین اسکار خود را تصاحب کند. اما اگر به دنبال انیمیشن‌های معمول دنیا با داستان‌هایی شاد و سرخوش هستید که لحظات مفرحی را برای شما ایجاد می‌کند، بهتر است به تماشای این انیمیشن نشینید. چراکه مانند بسیاری از انیمیشن‌های میازاکی این اثر دارای لایه‌های فلسفی و ماورایی است که نمی‌تواند اثر جذاب و دلنشینی برای یک کودک و یا بزرگسالانی باشد که می‌خواهند با تماشای یک انیمیشن وقت بگذرانند و ساعتی خوش باشند.

جدیدترین اثر هایتو میازاکی ۸۳ ساله طی سال‌های کروناهراسی ساخته شد که در واقع شخصی‌ترین اثر اوست. ماجرای انیمیشن پسر و مرغ ماهی خوار درباره پسر به نام ماهیتو است که مادرش را بر اثر یک آتش‌سوزی از دست می‌دهد. مادر و زنی که نماد سرزمین است، انگار این بچه سرزمین و هویتش را از دست داده و در آتش سوخته و حالا دنبال مادرش می‌گردد. ماهیتو پس از آنکه مادرش را در آتش‌سوزی از دست می‌دهد حین گشت‌وگذار در اطراف خانه، با مرغ ماهی خوار خاکستری سنگگویی مواجه می‌شود که او را به یک برج مه‌روموم شده هدایت می‌کند. ماهیتو در آرزوی یافتن دوباره مادرش به یک دنیای پنهانی و اسرارآمیز قدم می‌گذارد و در این راه از راهنمایی‌های مرغ‌ماهی خوار بهره می‌گیرد. او شخصیت‌های متعددی را ملاقات می‌کند و با چالش‌های درونی و بیرونی از جمله جادوگر مرموز، طوطی‌های انسان‌نما و گذشته خودش روبه‌رو می‌شود. در پایان، ماهیتو درباره عشق، فداکاری و توجه به کسانی که از او مراقبت می‌کنند، درس‌هایی می‌آموزد و سعی می‌کند با واقعیت‌های تلخ زندگی‌اش، کنار بیاید. میازاکی، «پسر و مرغ ماهی خوار» را براساس رمانی به نام «چطور زندگی می‌کنی؟» اثر گنزابارو یوشینو به چاپ سال ۱۹۳۷ خلق کرده است که در تیتراژ هم به آن اشاره می‌شود. اما اقتباس نیست؛ برداشت آزاد است. رمان درباره پسر ۱۵ ساله و رابطه با عمویش است و به مفاهیمی همچون رشد معنوی، فقر و تجربه کلی انسان از زندگی است و البته قلدری و زوگویی دیدن در کودکی.

بین زندگی شخصی میازاکی و قصه و شخصیت‌های «پسر و مرغ ماهی خوار» شباهت زیادی وجود دارد. ماهیتو در واقع کودکی میازاکی است. پدر میازاکی همچون پدر ماهیتو قصه در کارخانه تولید اجزای هواپیما کار می‌کرده. مادرش را در کودکی از دست داده و در دوران جنگ به همراه خانواده‌اش مجبور به نقل مکان از توکیو شده است. مادر میازاکی تأثیر زیادی رویش داشته و منبع الهام بسیاری از شخصیت‌های زن آثارش بوده است. قصه فیلم هم به طور کلی براساس روابط حرفه‌ای میازاکی با هم‌راهان قدیمی‌اش ایسانو تاکاهااتا، نویسنده و کارگردان و توشیو سوزوکی تهیه‌کننده شکل گرفته

است. تاکاهااتا عموی بزرگ است و سوزوکی مرغ ماهی خوار. درون‌مایه‌های اصلی انده، ویرانی، بازسازی و خیال است. فقط وقتی سال ۲۰۱۸ تاکاهااتا از دنیا می‌رود، میازاکی تمرکزش را بیشتر می‌برد روی شخصیت مرغ ماهی خوار و احتمالاً عنوان فیلم هم به همین خاطر «پسر و مرغ ماهی خوار» شده و به همین خاطر است که با توجه به عنوان فیلم فکر می‌کنید، قرار است شاهد رابطه ماهیتو با مرغ ماهی خوار سنگگو باشی اما در واقع او فقط واسطه‌ای است که قرار است در انتها پسرک را به عموی بزرگ برساند.

خب طبیعی است وقتی درباره انیمیشنی که میازاکی آن را ساخته، نمی‌نویسید، نمی‌توانید به طراحی شاهکار انیمه آن اشاره نکنید. میازاکی همواره به طراحی فضا و محیط همانند شخصیت‌های داستان اهمیت می‌دهد و به همین خاطر در انیمیشن‌های او با نماهای لانگ‌شات با تصاویری محسورکننده طرف هستید که محیط گاهی اوقات تبدیل به یکی از کاراکترهای فیلم می‌شود. طراحی کاراکترها هم که خود داستانی مفصل دارد و او اقتصر به جزئیات آنها بها می‌دهد که تنها با چند بار تماشای این انیمیشن به این جزئیات پی خواهید برد. در واقع قبل از اینکه بسیاری از کاراکترها را بشناسید، درگیر ظاهرشان می‌شوید. یک حیوان در انیمه پسر و مرغ ماهی خوار می‌تواند قبل از اینکه کلمه‌ای را به زبان بی‌سازد، در موقعیت‌های مختلف به اشکال گوناگون به نظر برسد؛ هرچقدر هم که ظاهری واقعی و معمولی داشته باشد باز هم میازاکی او را به ظاهری مختلف به تصویر می‌کشد که برخی از آنها برای ما ناآشناست و او به مرور آنها را به تماشاگر می‌شناساند. طراحی این انیمه چندین سال به طول انجامید که برآمده از توجه به جزئیات و پایبندی به انیمیشن دستی است. طراحی استوری بورد، در ژوئیه ۲۰۱۶ آغاز شد و میازاکی با الهام از داستان‌های «برج ارواح» ادوگاوا رانپو و «کتاب چیزهای گمشده» جان کائولی، فیلم را به حس نوستالژی و شگفتی آغشته کرد. تولید رسمی در مه ۲۰۱۷ آغاز شد که از گردهمایی همکاران و انیماتورهای باتجربه استودیو جیبلی خبر می‌داد. تیم تولید به رهبری میازاکی و مشارکت تاکشی هوندا در کارگردانی انیمیشن، کار سخت خود را آغاز کرد تا به دنیای مسحورکننده فیلم جان بخشد. برغم مواجهه با چالش‌هایی مانند همه‌گیری کوید-۱۹ و سرعت کند انیمیشن میازاکی، تولید همچنان ادامه داشت. انیماتورها با زحمت فراوان، هر

منتقدان بر این باورند که «پسر و مرغ ماهی خوار» شخصی‌ترین ساخته میازاکی است که بخش‌های از کودکی و زندگی خانوادگی خود را در آن آورده. فیلم‌های شخصی فیلمسازان کمتر با این گستردگی مورد توجه تماشاگران سینما در نقاط مختلف دنیا قرار می‌گیرد و عجیب اینجاست که میازاکی با این داستان غریبش توانسته نظر طیف وسیعی از تماشاگران را آن هم بدون هیچ تبلیغاتی به خود جلب کند. البته شاید خیلی هم عجیب نباشد چراکه ما با یک شاهکار از استاد انیمیشن‌ساز روبه‌رو هستیم و اینها ویژگی‌های یک شاهکار است که مدت‌های زیادی است، سینمای دنیا مشابه آن را به خود ندیده است.



### مدخل

#### بارقه‌های امید

درباره چشم‌داشتی که با آمدن «مسعود پزشکیان» جوانه زده است

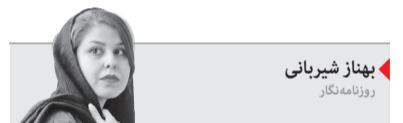


فرهنگ و هنر ایران، عرصه‌ای رنجور و بیمار است و طی سه سال گذشته، در دولت سیزدهم، وضعیتش وخیم‌تر هم شده است. در این اثنا، نگاه امنیتی‌پیش‌از‌پیش بر این حوزه و فعالانش سایه انداخته و تیغ تیز ممیزی روح‌شان را خراشیده و زخمی کرده است. در این سال‌ها، ممکن نبود، هفته‌ای بگذرد و خبر به محاق رفتن فیلمی و کتابی و نمایشی و کنسرتی به گوش نرسد. در این میان هنرمندان و فرهنگ‌ورانی نیز بودند که رخت هجرت بر تن کردند و جلای وطن. افزون بر این، کارگزاران حیطه فرهنگ و هنر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نگاه و نگرشی، بسیار فراتر از قبل، ایدئولوژیک بر آن داشتند و هرکس با آنان نبود، به حتم و قطع، بر آنان بود. همین هم شده بود که بسیاری‌شان، دلخور و دل‌آزرده بودند و دیگر شوق‌و‌ذوقی برای تولید اثر مکتوب، تصویری و شنیداری نداشتند. و حال آمدن «مسعود پزشکیان»، دوباره بارقه‌های امید را در دل‌هایشان زنده کرده است و البته بر مدیران تازنفیس دولت چهاردهم فرض است تا با دلجویی، فضای باز برای آنها فراهم کنند و گردشان آورند. حیف است فرهنگ و هنر ایران ما، با آن همه ظرفیت عظیم و آن پیشینه شکوهمند و پرافتخار، به گوشه‌ای رانده و عزت‌نشین شود. امید داریم و امیدواریم به طلوع دیگرگون آفتاب عالم‌تاب ایران‌زمین.

### دیدگاه: یادداشت روز

#### توجه به جامعه

در اهمیت احیای سینمای اجتماعی در دولت پزشکیان



به حاشیه رفتن با مرگ سینمای اجتماعی، این تعبیری است که بسیاری از سینماگران، منتقدان و علاقه‌مندان سینما درباره آن صحبت می‌کنند. دغدغه بسیاری از اهالی سینما، که به حق جای نگرانی هم دارد. سال‌هاست که سینمای ایران با این شکل از فیلم‌سازی در داخل کشور و در جشنواره‌های بین‌المللی، مرتبه‌ای را به خود اختصاص داده است. بهترین سینماگران ایرانی با ساخت این‌گونه آثار به دنیا معرفی شدند. آثاری که سینماگران می‌توانند تقدای سیاسی و اجتماعی را به‌واسطه این شکل از فیلم‌سازی مطرح کنند و طبیعی است که علاقه‌مندان خودش را دارد. حال مدتی است در حضور کمندی‌هایی که هر روز به تعدادشان اضافه می‌شود. سازندگان آثار اجتماعی به دلایل متعدد یا عطای ساخت این آثار را به لغزش بخشیده‌اند یا به گروه سازندگان فیلم‌های کم‌دی پوستانه تا از تور گرم کیشه فیلم‌های کم‌دی نصیبی ببرند. کانون کارگردانان سینمای ایران در بیانه اخیر خود مبنی بر مطالبات‌شان از دولت جدید به درستی به این موضوع اشاره کرده است: «اگر مدیریت سینما در سه سال گذشته مجبور شد برای حفظ بقا از سینمای کم‌دی و سینمای عام‌پسند حمایت کند این سینما مسلماً پاشنه آشیل مدیریت فرهنگی دولت جدید خواهد شد، چون برخی از فیلم‌های کم‌دی که در سه سال گذشته به نمایش درآمدند اگر در دولت‌های قبل به نمایش درمی‌آمدند با تحلیل‌ها و تفسیرها و مخالفانی روبرو می‌شدند که تفکری شبیه مدیران سه سال گذشته داشته‌اند؛ بنابراین مدیریت جدید باید هوشیارانه حمایت از جریان اصلی و سینمای عام‌پسند و رشد اقتصادی سینمای ایران را جدی بگیرد و اگر فشاری بر این سینما وارد شد تسلیم نشود و تبلیغات فیلم‌ها همان‌گونه که در سه سال گذشته آزاد بود، باید در آینده نیز آزاد باشد». همه خوب می‌دانیم که اساساً سینمای اجتماعی زاینده تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه است و با فرصت دادن به سینماگرانی که دغدغه ساخت چنین آثاری را دارند، شاهد فضای مناسبی در سینمای ایران خواهیم بود. نادیده گرفتن فیلم‌نامه‌هایی که با مضامین اجتماعی نوشته شده‌اند یا عدم ارائه فیلم‌نامه‌هایی با دیدگاه اجتماعی از سوی سینماگران، ازجمله دلایلی است که باعث شده تا در این روزگار از به حاشیه رفتن آن صحبت کنیم. اتفاقی که انتظار می‌رود به مرور اصلاح شود. اما شاید نکته‌ای که این روزها توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد، نگاهی همه‌جانبه به قاطبه سینماگرانی است که در این عرصه مشغول به کار هستند. این روزها بیش از هر زمان دیگری فضای دو قطبی حاکم بر سینما، چشم‌گیر است. جمع شدن همه سینماگران با هر تفکر زیر چتر واحد سینما به یقین باعث بهبودی شرایط سینما و سینماگران خواهد شد.



#### تاکید بر سیاست‌های کلی نظام

سیدعطاء الله مهاجرانی: مسعود پزشکیان بیش از همه نامزدها بر سیاست‌های کلی نظام که توسط رهبری ابلاغ شده و می‌شود، تاکید کرد. نامزدهایی که خود را نمایندگان به‌اصطلاح «جبهه انقلاب» می‌دانستند، این نکته را مطرح نکردند و مدام از وعده‌های طلایی مانند توزیع طلا و زمین رایگان و گوشت تازه، در در خانه و سفر مفت و جت اسکی و ... و شبه‌نامه خود سخن می‌گفتند.



#### ابرمسائل وزارت فرهنگ

خسرو طالب‌زاده: ابرمسائل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پرشمار و ریشه‌دار است؛ گسست عمیق ناشی از بی‌اعتمادی نهادهای مدنی فرهنگ و هنر، شکاف گسترده میان فرهنگ رسمی با فرهنگ جامعه، بحران اقتصادی کسب‌وکار فرهنگی، انتصاب مدیران نوآموز و خویشاوندی با نگرش امنیتی، فریب‌زد شدن قواره نظام اداری و ناکارآمدی و فرتوتی آن، فساد ساختاری و آخته‌تر شدن مشمشیر جور سانسور نمونه‌هایی از این ابرمسائل‌اند.

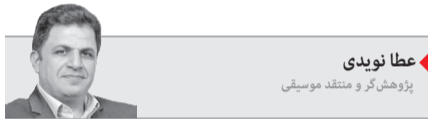


#### انتخاب افراد شجاع و پرتوان

غلام‌حسین محمدی: دوران بز در رو تمام شده است و دولت‌ها از لحظه تولد باید پاسخگو، شفاف و کارآمد باشند. عدم تحقق شرایط ابتدایی وقوع خواست‌های عمومی، یعنی انتخاب افرادی شجاع و پرتوان که می‌توانند متعهدانه به وقوع عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌ها در شئون مختلف زندگی مردم کمک کنند، اولین ضربه به اعتبار رئیس‌جمهور و دولت حق و عدالت است که اساساً قابل جبران نخواهد بود.

# حذف نگاه سیاست‌زده از موسیقی

## موسیقی هنری در اولویت دولت چهاردهم باشد



دولت چهاردهم نمی‌تواند با شعار فرهنگی کار خود را آغاز کند؛ تیم مسعود پزشکیان قطعاً باید ترکیب اقتصادی قابل دفاعی داشته باشد تا از وضعیتی که همه به آن دچار هستیم، خارج شویم. همه می‌دانیم اولویت امروز جامعه، اقتصاد است اما این بدان معنا نیست که دولت چهاردهم نگاهش را از فرهنگ و هنر برگرداند. موسیقی هیچ‌گاه در اولویت حمایت دولت‌ها نبوده و اقتصادش همواره مستقل و بر مبنای مخاطب بوده. موسیقی در سال‌های اخیر حال‌وروز خوبی ندارد. از دوران کرونا به بعد که مشکلات عدیده اقتصادی گریبان جامعه را گرفت، طبعاً موسیقی از دایره اولویت‌های مردم خارج شد و فشار به این هنر شاید بیش از هر شاخه هنری وارد شد. اینجا حرف از موسیقی بازاری نیست، تمام صحبت‌مان درباره موسیقی هنری است. موسیقی‌ای که از دل جریان‌های فکری پویا و پژوهشی رشد می‌کند و هیچ امید حیاتی ندارد، مگر با حمایت بی‌چون‌وچرای دولت.

#### تسهیل‌گری در برگزاری کنسرت‌های موسیقی جدی

موسیقی هنری یا جدی در تمام دنیا با مشکل مخاطب مواجه است. در هیچ جای دنیا این موسیقی مخاطب میلیونی ندارد اما این دولت‌ها هستند که وظیفه حمایت، حفظ و

اشاعه این بخش را بر عهده دارند. در سال‌های اخیر گرانی بی‌حدواندازه سالن‌های اجرا عملاً برگزاری کنسرت‌های موسیقی هنری را غیرممکن کرده است. هنرمندان جایی برای ارائه آثار ندارند. حتی سالن‌های دولتی با ارقام بالای اجاره، هنرمندان را دل‌سرد می‌کنند و هنر موسیقی را به‌عنوان دستگاه پول‌ساز برای مجموعه‌ها می‌بینند. یکی از انتظارات جامعه موسیقی، تسهیل‌گری دولت جدید برای برگزاری کنسرت‌های هنری است.

#### اجرای قانون کپی‌رایت و امکان دسترسی به اینترنت آزاد!

مورد دیگر نشر آثار موسیقی است که امروز با بحران شدید مواجه است. تغییر شکل نشر از فیزیکی به دیجیتال تمام آنچه را ناشران در دست داشتند روی فضای اینترنت ریخته و به دلیل نبود قانون کپی‌رایت هیچ نظارتی بر استفاده و دانلود غیرقانونی آثار نیست. یکی از انتظارات جدی از دولت چهاردهم فراهم آوردن سازوکار جدی برای مسدود کردن سایت‌های غیرمجاز دانلود آثار موسیقی و در کنار آن امکان دسترسی آزاد به اینترنت و مرادوه مالی شهروندان با جهان برای استفاده از فضاهای بین‌المللی برای نشر آثار موسیقی است.

از سوی دیگر، از دولت چهاردهم انتظار می‌رود به‌عنوان یکی از ناظران بر عملکرد صداوسیما نظارت جدی بر رعایت قانون حق مؤلف و مصنف در این سازمان عریض‌وطویل داشته باشد تا این بزرگ‌ترین ناقض کپی‌رایت هنرمندان موسیقی، دست از تاراج آثار هنرمندان مظلوم بردارد و

بی‌حساب‌و‌کتاب هر آن‌چه را می‌خواهد از رادیو و تلویزیون پخش نکند!

#### حمایت از ارکسترهای خصوصی و دولتی

دو ارکستر ملی و سمفونیک قطعاً در اولویت دولت‌ها قرار دارد تا به خاطره تلخ تعطیلی آنها در دولت دهم برنگردیم. اما متأسفانه هیچ‌گاه از سوی دولت‌ها حمایتی از ارکسترهای خصوصی نمی‌شود. امروز چند ارکستر خصوصی که برخی از آنها با کیفیت مثال‌زدنی مشغول به کار هستند، در ایران فعال‌اند. این ارکسترها مشکلات عدیده‌ای از جمله محل تمرین، اجاره سالن کنسرت و بودجه‌ای برای ادامه حیات دارند. چرا نباید دولت بودجه‌ای اختصاصی - هرچند ناچیز - برای این ارکسترها که تعدادشان بسیار محدود است اختصاص بدهد؟

#### برداشتن نگاه امنیتی و سیاست‌زده از موسیقی

دولت چهاردهم باید بداند هنر، سیاسی نیست، اگر در جریان‌های مختلف اجتماعی هنرمندان صدای مردم می‌شوند دلیلی بر سیاسی بودن آنها نیست. برداشتن نگاه‌های امنیتی، رفع ممنوع‌الکاری‌های هنرمندان، تسهیل صدور مجوزها نیز ازجمله انتظاراتی است که هنرمندان از دولت چهاردهم دارند. این تنها بخش کوچکی از انتظارات جامعه موسیقی از دولت چهاردهم است. امید است این دولت با عمل‌گرایی اقتصادی و نگاهی فرهنگی بتواند موج آمدی در میان جامعه هنری باز کند تا بیش از پیش شاهد مهاجرت هنرمندان از کشور نباشیم.

# مثنوی هفتادمن حوزه نشر

## درباره آنچه رئیس دولت چهاردهم در عرصه کتاب باید مورد توجه قرار دهد



برای گفتن از حوزه نشر انگار باید مثنوی هفتادمنی وجود داشته باشد تا شاید بتوان همه اتفاقات این حوزه را بیان کرد و شرح داد. اما حالا که این مثنوی را نداریم، باید به سراغ اولویت‌ها برویم. درحال حاضر کاغذ و تقویت کارخانه‌های کاغذ باید یکی از مواردی باشد که در دولت چهاردهم، پیگیری شود تا اقداماتی که در این حوزه انجام گرفته، ناتمام نماند. در طول دهه ۹۰ و سه سال گذشته، همواره در حوزه نشر با موضوع کاغذ مواجه بوده‌ایم و کاغذ هر سال چندصد هزار تومانی گران شده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند کاغذ یک کالای استراتژیک است و نقش حیاتی در توسعه فرهنگی یک جامعه دارد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم از همان ابتدا موضوع تولید کاغذ مورد توجه قرار گرفت تا کارخانه‌های کاغذ دوباره به چرخه تولید بازگردند و بتوان از ظرفیت آنها استفاده کرد و تا جایی پیش رفت که دولت توانست موضوع خودکفایی کاغذ در کتاب‌های درسی را پیش ببرد.

سال‌هاست که حوزه نشر با پدیده‌ای به اسم «فاجای کتاب» یا «ناشران پخته‌خوار» مواجه است. افرادی که با سودجویی درحال فعالیت هستند و ناشران حرفه‌ای را دچار چالش

می‌کنند. کاری که این افراد انجام می‌دهند این است که منتظر می‌مانند تا یک ناشر برطرف‌کننده کتابی را منتشر کند و پرمخاطب شود؛ سریع کتاب را کپی می‌کنند و به بازار می‌فرستند! رسانه‌ها در این سال‌ها روی این موضوع بسیار کار کرده‌اند تا بتوانند این پدیده را کاملاً از بین ببرند اما کمک رسانه فقط تا جایی مثرتر است و لازم است که معاونت فرهنگی وزارت ارشاد هم به میدان بیاید و جلوی این کار را بگیرد. در دولت سیزدهم کمی روی این موضوع کار شد اما توفیقات زیادی نداشت؛ تعدد این ناشران در همه جا آقدر زیاد است که باید برایش یک برنامه ویژه در دولت چهاردهم با همکاری همه کرد.

کتاب گران است؛ این سه کلمه را در این سال‌ها بسیار شنیده‌ایم و نمایشگاه کتاب امسال نشان داد که چقدر کتاب گران شده و این کالای فرهنگی از سبب خانواده‌ها حذف شده است، حتی کسانی که کتابخوان واقعی هستند، امسال خیلی توانستند از نمایشگاه خرید کنند و نهایت کتابی که با بودجه‌شان مطابقت داشت، ۲ یا ۳ کتاب بود. افزایش ۱۱۰ درصدی قیمت کتاب در آستانه نمایشگاه کتاب و در کل رشد ۱۵۹ درصدی قیمت کتاب در دولت سیزدهم، نشان می‌دهد که چقدر این حوزه متاثر از تورم شده است. بخشی از گرانی، همان‌طور که گفتیم به قیمت کاغذ برمی‌گردد و بخشی هم به مدیریت در این حوزه که قیمت به‌گونه‌ای نباشد که کتاب از سبب فرهنگی خانواده‌ها حذف شود.

مورد دیگری که باید به آن اشاره کرد، حوزه کودک و نوجوان است. حوزه‌ای که اگر به آن توجه نشود حتماً آسیب‌های زیادی را به همراه دارد. می‌دانیم سهم عمده‌ای از کتاب‌های حوزه ادبیات کودک و نوجوان که این روزها در بازار به فروش می‌رسند کیفیت لازم را ندارند و اگر کودکان و نوجوانان در نخستین تجربه کتاب‌خوانی با این آثار مواجه شوند ممکن است نسبت به مطالعه بی‌ رغبت شده و دیگر سراغ این کتاب‌ها نزنند. در مبحث کتاب‌های ترجمه نیز ناشران برای سوددهی بیشتر به ترجمه‌های نازل به چاپ می‌رسانند. استقبال از آثار کودک و ترجمه‌های نازل به چاپ می‌رسانند. استقبال از آثار کودک و نوجوان همیشه در رده اول فروش کتاب قرار دارد اما این حوزه بر شده است از کتاب‌های ترجمه و آثاری که کیفیت مناسبی ندارند. شاید در نگاه اول تجویز ممیزی و حذف آثار ترجمه به‌عنوان یک راه‌حل اساسی مطرح شود اما واقعیت این است که صنعت تالیف و کتاب ایرانی برای کودک و نوجوان جذاب نیست و انگار آن را پس زده‌اند؛ نکته‌ای که مدیران فرهنگی و مافیاسی کتاب کودک و نوجوان نمی‌خواهند آن را ببینند تا بتوانند برایش راه‌حلی داشته باشند!

دولت چهاردهم باید به این حوزه به‌عنوان یک ظرفیت بالقوه نگاه کند و با نگاه درست به تالیف بتواند کتاب‌ها را قوت ببخشد و بتواند این رده سنی را با تالیف و کتاب‌های مناسب به سمت کتابخوانی بیاورد.



### اجرای طرح نور در دولت جدید

سردار قاسم رضایی، جانشین فرمانده کل انتظامی کشور دربار اجرای طرح نور گفت: قانون، ملاک کار ماست و با تغییر دولت‌ها خللی در اجرای این طرح به وجود نمی‌آید. بر خورد با جرم مشهود از وظایف ذاتی انتظامی است، ما اسیر امواج نخواهیم شد، ما در حوزه عفاف و حجاب وظیفه قانونی و تکلیف شرعی داریم، لازم است شورای تأمین هم در راستای حمایت از این طرح گام بردارد.



### ۹ استان درگیر تب دنگی

سردار محمدعلی قمی، معاون سازمان پدافند غیرعامل کشور گفت: ۹ استان کشور درگیر تب دنگی هستند اما آمار مرگ‌ومیر ناشی از گزش پشه آندس بسیار اندک است. جلوگیری از ابتلا به تب دنگی نیاز به آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی دقیق به مردم دارد. مرگ‌ومیر تب دنگی به میزان قابل توجهی اندک است اما با توجه به پیش‌بینی انتقال ویروس با جابه‌جایی مسافران باید زمینه مقابله فراهم شود.



### پیش فروش بلیت اربعین

داریوش باقرچوان، مدیرکل دفتر حمل‌ونقل مسافر گفت: با بیان اینکه از ۶ مردادماه پیش‌فروش بلیت اتوبوس‌های اربعین برای سه مرز شمالی تمرچین، باشماق و خسروی آغاز می‌شود. اظهار کرد: از ۱۰ مردادماه نیز پیش‌فروش بلیت همه مرزهای اربعین در سراسر کشور انجام می‌شود. علت پیش‌فروش کم کردن فشار بر روی مرزهای شلمچه و مهران و حرکت به سمت مرزهای شمالی که با ظرفیت بیشتر است.

### ادامه یادداشت روز

### دولت پزشکیان و حقوق شهروندان

از حقوق اقلیت‌ها، قومیت‌ها و اقلیت‌ها تا حقوق محیط زیست و حقوق کودک، از کودک‌همسری تا حقوق تالاب‌ها، از تبعیض‌ستیزی و برابری خواهی تا ... رئیس‌جمهور چه می‌کند تا شنود غیرقانونی شکل نگیرد؟ چه می‌کند تا تجاوز از حدود اختیارات قانونی توسط دولتی‌ها و کارگزاران رقم نخورد؟ رفع فیلتر و دسترسی به فضای مجازی و حق بر توسعه چگونه پاس داشته می‌شود؟ حقوق کارگران و بازنشستگان در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ در خصوص آزادی زندانیان وجدانی، حق آمدوشد ایرانیان خارج کشور، حق امنیت مالکیت افراد در معرض خطر یا معارض با قانون کشور و دهها مساله و پرسش باید پاسدار قانون اساسی توضیح دهد که چه می‌خواهد بکند؟! باید از صدمه نظام حقوق عمومی ایران در سایه فقدان تحریک و نظارت استصوابی جلوگیری شود و رئیس‌کابینه باید جسارت و شهامت عملکرد قوی داشته باشد. ملت ایران استحقاق یک قوه مجریه مغزافزار، با هوش و استعداد و دانش و توانایی دارد. ایران در مسیر توسعه و رفیع رنج مردم به دولت کارآمد مساله‌محور نیاز دارد. صرف قانون‌پذیری خوشبختی مردم را رقم نمی‌زند. رئیس‌جمهور با زتاب اراده مردم برای ایجاد سعادت و خوشبختی و توسعه است. رویای ایران قوی با سرانه تولید بالا، رفاهمند، ضدفساد، عادلانه و خوش‌ارتباط با جهان دست‌یافتنی است. این ثروت و دارایی بی‌نظیر ایرانی یک فرصت طلایی است. کافی است همه با هم همت برای اطلاع‌گری توسعه‌خواهانه کنیم. ما در قبال فریاد ایران مسئول هستیم. نباید رها کنیم و ناامید شویم. ما در قبال توسعه ایران همه مسئول هستیم. به‌منفع فقرا، به‌نفع محیط زیست و به نفع جامعه مدنی باید قدرت بی‌قدرتان را بسجج کنیم و همت بلند داریم تا تغییر امکان‌پذیر باشد. اگر روابط با خارج گرم‌تر شود، اگر همبستگی داخلی بیشتر شود، اگر رنج‌های مردم کم‌تر شود و دخالت ناه‌جا در کار مردم نشود و مردم زندگی عادی معمولی داشته باشند و سرک به حریم خصوصی و سبک زندگی مردم نشود، ایران دلیلی‌تر خواهد بود. تغییرها را قدر بدانیم و تفاوت‌ها را محترم بشماریم. یک زندانی وجدانی و سیاسی را برتانییم و حق اعتراض را صدای دشمن ندانیم. ایران سزاواری رفاه و ریشه‌کنی فقر دارد. این سرزمین با کشاورزی و صنعت و فناوری و مرزهای مستعد و سرمایه انسانی بی‌نظیر می‌تواند و باید رشد چشمگیر کند و در منطقه و جهان بدرخشد. کابینه جدید در راستای اصل ۱۳۴ قانون اساسی برنامه و خط‌مشی خود را شهروندمداری در عمل برگزیند.

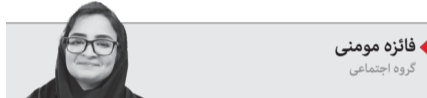
### گزارش ویژه

### دیدار صمیمی مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان با کارکنان مدیریت مالی

**گرگان - کارزگر:** مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان بر اهمیت جایگاه مدیریت مالی در راستای پیشبرد اهداف و پیگیری درخواست و مشکلات کارکنان این شرکت و نقش بسزای آن تأکید کرد. در این نشست اسدی، مدیر مالی شرکت گاز استان گلستان از مساعدت‌ها و نگاه ویژه و مثبت مدیرعامل کمال تقدیر و تشکر را داشت و در ادامه ایشان گزارش عملکردی از فعالیت‌ها بیان کردند. در پایان این نشست نیز هر یک از کارکنان نقطه نظرات، پیشنهادات و درخواست‌های خود را بیان کردند.

### خبری خوش برای هموطنان گلستانی

به گزارش روابط عمومی گاز گلستان، علی طالبی در جلسه بررسی نظام و مسائل حوزه گاز گلستان، شرق استان با حضور نماینده مردم شرق گلستان در مجلس شورای اسلامی در سالن اجتماعات فرمانداری کلاله اظهار کرد: صدرصد جمعیت شهری و ۹۸ درصد جمعیت روستایی استان از نعمت گاز برخوردارند و با افتتاح طرح‌های گازرسانی جدید در هفته دولت این میزان برخورداری جمعیت روستایی به ۹۹ درصد می‌رسد. وی تصریح کرد: ۸ روستا در شهرستان مروآبیه تا هفته دولت از نعمت گاز برخوردار می‌شوند و گازرسانی به ۹ روستای در موضوع سد جالیلی (در سایت مشخص شده)، چهار روستا که در طرح جابه‌جایی در مروآبیه و ۱۰ روستا و نقطه جمعیتی در کلاله در دستور کار قرار گیرد. مدیرعامل شرکت گاز گلستان خاطر نشان کرد: اعتبار تخصیصی سال گذشته شرکت گاز استان، بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان بود که تمام آن جذب شد و امسال نیز تا زمان اعلام اعتبار، یک‌دوازدهم اعتبار پارسل ماهانه برای طرح‌های گازرسانی هزینه می‌شود.



فائزه مومنی  
گروه اجتماعی

از حوالی ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعد از ظهر، تقریباً کولرهای آبی جواب نمی‌دهد. هر چقدر هم که لای درز پنجره را با پرده بپوشانیم، بر روی کولرها سیلانیان بزمین و دوش ظهرگاهی بگیریم، بازهم به محض خوردن گرما بر روی سطح پوست، گویی ذره‌ذره سلول‌های پوست سوخته و آب می‌شود، گاهی اوقات احساس می‌کنم، دود هم می‌کند؛ پوستم را می‌گویم. ماوراء‌بنفش هم اضافه شده و قرار است علاوه بر سوختگی نسبی پوست، سرطان را قطعی بر شهروندان عارض کند. ادارات روز چهارشنبه از ساعت ۱۲ تعطیل شدند و امروز هم از ساعت ۱۱ تعطیل می‌شوند. می‌گویند دو هفته جهنمی در انتظار تهران و سایر شهرهای ایران است، به طوری که وزارت بهداشت و برخی رسانه‌ها از معاول اول رئیس‌جمهور درخواست عاجل کردند که شنبه و یکشنبه هم در تهران تعطیل شود تا مردم برای حفظ جان‌شان هم که شده در خانه بمانند. همه مردم اما نه؛ کوچه را به سمت خیابان سرازیر می‌شوم. آسمان را دوده گرفته؛ سنگینی هوا را بر روی ریه‌هایم حس می‌کنم. شالم را تا حوالی بینی و نزدیک عینک آفتابی جلو می‌کشم، صدای سوختن را می‌شنوم، پوستم را می‌گویم؛ با بلند کردن دستم، تا کسی زردی جلوی پایم ترمز می‌زند.

راننده تمام پنجره‌ها را پایین داده، لنگ خبیسی را حامل میان خود و پنجره کرده است. روکش صندلی‌ها آفتاب سوخته و زرد شده و به محض نشستن بر روی صندلی‌ها، حس نشستن بر روی اجاق‌گذاری را دارم که بی‌خبر با شعله زیاد روشن شده است. از راننده می‌خواهم صندلی عقب دیگر مسافر نزنند، پول دو نفر دیگر را حساب می‌کنم که حداقل تم به تن دیگران در این ماهی‌تابه داغ نخورد. صدای قطعات ماشین که عن‌قرب گسستن است، هاله‌های گرم که پایین‌تر آمده و حالا دیگر با چشم‌مانم آن را می‌بینم، بوق ماشین‌ها، ترافیک، عصبانیت گاو‌بیکه راننده‌ها و خیس شدن تم از گردن تا کمر، حتی کف دست، ظهر سگی را رقم می‌زند، ۲۰ دقیقه مانده‌ام بر روی پیشانی می‌گذارم. مویالم را خاموش می‌کنم، داغ کرده، آلام داغ کردن می‌دهد، ما هم داغ کردیم اما آلام‌هایمان کسی را بیدار نمی‌کند.

«موسسه کورنیک پیش‌بینی کرده است ماه پیش‌رو، گرم‌ترین ماه جهان از زمان ثبت دما باشد. این درحالی است که گنبد حرارتی که روی غرب آسیا مستقر شده است، دمای هوا را در این منطقه به حدی بالا برده که در لحظه تدوین این گزارش ۶ نقطه از ۱۰ نقطه گرم جمعیتی جهان در غرب آسیا قرار گرفته است. یکی از این ۶ نقطه، اهواز در ایران است؛ این را رسانه‌ها می‌گویند، وقتی با سرعتی برافروخته و سرخ به محل کارم رسیده‌ام و سیستم را روشن کرده‌ام.

گفته می‌شود متوسط دما در دنیا از زمان انقلاب صنعتی تا الان یک درجه افزایش یافته است، در ایران از انقلاب صنعتی تا الان دو درجه افزایش یافته است. یعنی سرعت رشد دمای ایران، دو برابر دنیا است. این زنگ خطر به این معناست که اگر دنیا درحال ویرانی با گرمایش زمین است، ایران دو برابر جهان درحال ویرانی است. درحال حاضر هم مناطقی از جنوب‌شرق ایران دچار ناهنجاری شدید دمایی هستند. به شکلی که رکورد دمای ۳۰ ساله خود را شکسته‌اند، پیش‌بینی می‌شود، در تهران

دما در شنبه و یکشنبه پیش‌رو بین ۴۳ تا ۴۵ درجه خواهد شد که به لحاظ شدت گرما و طولانی بودن بازه‌زمانی گرما، بی‌سابقه در نیم‌قرن اخیر است.

در هفته گذشته دمای هوا نسبت به ۳۰ ساله اخیر در ایران یک درجه گرم‌تر بوده است و در یک ماه گذشته نسبت به متوسط ۳۰ ساله دمای کل ایران ۳/۱ درجه گرم‌تر بوده است؛ در مناطقی که ۴ درجه افزایش گرما نسبت به متوسط ۳۰ ساله را شاهد بودیم. این درجه‌های یک و دو شاید در عدد رقمی نباشد، ولی در افزایش دما با خود خطر و بیماری و ویرانی به همراه دارد. پیش‌بینی می‌شود، تهران رکورد نیم‌قرن اخیر خود را در گرما بشکند. این گرما به‌اضافه تابش فرابنفش بسیار خطرناک‌تر است. قرار گرفتن در معرض اشعه (UV) منجر به آفتاب‌سوختگی و افزایش خطر ابتلا به سرطان پوست می‌شود. همچنین اشعه (UV)، به‌ویژه نوع (UVB) می‌تواند به «DNA»



سلول‌های پوست آسیب برسانند و خطر ابتلا به ملانوما و سایر انواع سرطان‌های پوست را افزایش دهد. قرار گرفتن در معرض اشعه (UV) به مشکلاتی مانند کاتاراکت (آب مروارید)، دژنراسیون ماکولا و آسیب به قرنیه منجر می‌شود. اشعه (UV) عملکرد سیستم ایمنی بدن را تحت تأثیر قرار داده و توانایی بدن در مبارزه با عفونت‌ها را کاهش می‌دهد. برخی از افراد ممکن است به دلیل قرار گرفتن در معرض اشعه (UV) دچار بیماری‌های پوستی مانند پسوریازیس یا اگزما شوند.

### ناترازی مساله‌ساز

اما مساله دیگر ماجرای ناترازی انرژی و ناترازی برق است که هر سال با اوج‌گیری گرمای هوا، زخم ناترازی برق تازه می‌شود. نکته قابل توجه آنکه برای احداث این نیروگاه‌ها و رفع نسبی ناترازی برق نیاز به سرمایه‌گذاری جدید داریم که دقیقاً مشکل از همین‌جا شروع می‌شود، زیرا به دلیل قیمت ارزان برق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رغبتی به سرمایه‌گذاری در این بخش نشان نمی‌دهند.

افزایش دو درجه‌ای دما درحالی رخ داده که با هر درجه افزایش دما بار شبکه برق حدود ۱۸۰۰ مگاوات افزایش می‌یابد و از آن طرف ظرفیت تولید نیروی برق و تأسیسات شبکه بیش از ۴۰۰ مگاوات کاهش می‌یابد؛ یعنی با هر درجه افزایش دما ناترازی بین تولید و مصرف به بیش از ۲۲۰۰ مگاوات می‌رسد که این ناترازی به شبکه تحمیل می‌شود؛ در واقع به ازای هر یک درجه افزایش میزان مصرف، اختلاف بین بار و تولید یا افزایش بار و کمبود تولید به ۲۲۰۰ مگاوات می‌رسد که همین امر منجر به ایجاد ناترازی می‌شود. بر همین اساس نیز طی روزهای گذشته میزان مصرف

بررسی آمار سال گذشته نشان می‌دهد که ناترازی برق در سال ۱۴۰۲ منجر به عدم‌التفیع ۱۰۰ همتی شده که به نظر می‌رسد این عدم‌التفیع در سال جاری به ۱۵۰ همت برسد؛ این درحالی است که به گفته کارشناسان این میزان از عدم‌التفیع با اعتبار ساخت یک نیروگاه ۵ هزار مگاواتی برابری می‌کند.

### کمبود برق نداریم!

ماجرای ناترازی انرژی به حدی چالش‌برانگیز است که مدیریت آن، می‌تواند دستاوردی برای دولت‌ها به‌شمار آید. شهریور سال ۱۴۰۱ بود که کیهان با انتشار مطلبی از اقدامات دولت رئیسی در مدیریت برق در تابستان تقدیر کرد و نوشت: تابستان امسال با تدبیر دولت رئیسی بدون خاموشی سپری شد و حالا انجمن کارفرمایان صنعت سیمان در نامه‌ای به وزیر نیرو و تعامل مثبت و سازنده در تأمین برق کارخانه‌های سیمان را عامل ثبات و تعادل تولید و بازار سیمان در تابستان امسال ذکر کرد و از تلاش‌های به عمل آمده در این راستا تقدیر کرد.

اگرچه این تحسین از عملکردی است که در سال نخست فعالیت دولت سیزدهم صورت گرفته اما حالا و پس از گذشت ۲ سال از آن زمان، به نظر می‌رسد برنامه‌های دولت سیزدهم برای رفع ناترازی برق جوابگو نبوده چه آنکه همچنان افزایش ناگهانی گرمای هوا با وجود برخی سیاست‌ها نظیر تغییر ساعات کار ادارات، حتی به کاهش ساعات خاموشی و مدیریت مصرف منجر نشده، چه رسد به آنکه چالش ناترازی با سیاست‌های اعمالی بهبود یافته باشد. به‌رغم افتادها به عملکرد وزارت نیرو و درباره تأمین برق، اما رجعی‌مشهدی، مدیرعامل توانیر دیروز گفته درخواست تعطیلی ادارات و شهرها به دلیل گرما نیست. او گفته که «رکورد مصرف برق برای چندمین بار در روزهای اخیر شکسته شده است، تقاضای مصرف برق کشور روز گذشته ۷۸ هزار و ۱۰۶ مگاوات ثبت شده که علت آن می‌تواند استقرار گنبد حرارتی و افزایش دمای بی‌سابقه هوا، مصرف بی‌رویه و غیراصولی از وسایل سرمایشی باشد».

اگرچه دولتی‌ها در تلاش‌اند تا به دفاع از اقدامات خود در زمینه مدیریت مصرف بپردازند اما ناترازی برق آنقدر بالا رفته که در سال جاری، دولت بدون وقفه از نیمه خردادماه سیاست تغییر ساعات اداری کارکنان دولت را پیاده کرد و ساعت پایان کار ادارات را به ساعت ۱۳ رساند.

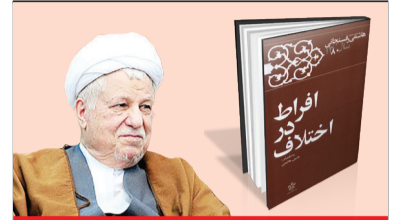
با این همه، درحالی که هنوز نیمه‌تابستان هم به پایان نرسیده، قطعی‌گسترده برق در پایتخت و سایر شهرها، صدای مردم و صاحبان صنایع را در آورده است. عواقب قطع شدن برق در مناطق مختلف کشور تنها به آسیب رسیدن به وسایل برقی و اختلال در کسب‌وکارها ... محدود نمی‌شود، بلکه در سطح شهرها نیز شاهد بی‌نظمی‌هایی هستیم که می‌تواند ساعت‌ها زمان شهروندان را تلف کند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از معابر و گذرگاه‌های پایتخت چراغ‌های راهنمایی از کار افتاده و باعث ترافیک سنگین در خیابان‌ها شده است.

**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی، آیدامیر اقتصادی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آریین‌فر • حروف چین: مجتبی دیگر • شانی: تهران پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان، ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز، ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۴۹

شنبه ۲۹ اردیبهشت

حمله اسرائیل با اف-۱۶ به غزه

مجمع [تشنخیص مصلحت نظام] جلسه داشت و چند بند از سیاست‌های کلی روابط خارجی تصویب شد؛ از جمله مقابله با سلطه‌گری آمریکا، قوت برابریان حادثه هوایما را تسلیت گفتیم. معلوم شد، در ارتفاعات روستای خرچنگ ساری در ارتفاع سه هزار پایی به درختان جنگل برخورد کرده و متلاشی شده است.

عصر آقای [مسعود] سفیری، سردبیر روزنامه حیات‌نو آمد. مصاحبه می‌خواست؛ پذیرفتم. پیشنهاد داشت در انتخابات بیشتر حرف بزنم. گفتیم، دوم خرداد‌ها با افراطی‌گری حرکت اصلاحی را خراب و منحرف کردند و راه درست همان شیوه کار دولت سازندگی بود که هم کشور را می‌ساخت و هم به تدریج فضا را باز می‌کرد که نتیجه‌اش انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری بود.

آقای طاهای هاشمی، [مدیرمسئول روزنامه انتخاب] آمد. می‌خواست بداند، آقای [علی] شمشانی، [وزیر دفاع] براساس چه تحلیلی و با کمک و تشویق چه کسی نامزد شده است. گفت، بناسست جایگزین آقای [محمدعلی] تسخیری، [رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی] معین شود و پیشنهاد آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس جمهور] خود اوست. گفت که تبلیغات نامزد رقیب، فشار زیادی روی آقای خاتمی خواهد داشت.

اسرائیل، دیشب در عکس العمل به انفجار بمب، برای اولین بار با هوایمای اف-۱۶ به غزه و کرانه‌باختری حمله کرده و امروز هم به انتقام انفجار دیشب در بیت‌المقدس با هلی‌کوپترها حمله و جمعی را شهید و مجروح کرده است. [آقای کوفی عنان]، [دبیرکل سازمان ملل و بعضی کشورهای اروپایی]، این اقدام را محکوم کرده‌اند اما آمریکا اقدام فلسطینی‌ها را محکوم کرده و اتحادیه عرب با اعلام پشتیبانی از انتفاضه از دولت‌های غربی خواسته که تمامی روابط خود با اسرائیل را قطع کنند و اسرائیل از این تصمیم ابراز تأسف کرده است. در پاکستان، مولانا عظیم قادری، رئیس یک فرقه سنی و جمعی از مریدانش با حمله گروهی مسلح کشته شده‌اند. امروز روزنامه‌های دولتی، احتمال انصراف آقای [سیدمحمد] خاتمی را مطرح کرده‌اند؛ گویا برای ایجاد هیجان در مردم و تحریک افرادی که بسا یأس از اقدامات آقای خاتمی، بی‌تفاوت شده‌اند.

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت

**مراسم تشییع جان باختگان سقوط هوایما**  
صبح برای مراسم تشییع جنازه جان‌باختگان سقوط هوایما به مجلس رفتیم. رهبری و سران سه قوه و خانواده‌های عزادار و بسیاری از شخصیت‌های کشور بودند. بسا معاونان مرکز تحقیقات استراتژیک [مجمع تشخیص مصلحت نظام] جلسه داشتیم. بیشتر وقت صرف مسائل انتخابات و نگرانی‌ها از آینده شد. در مورد طرح پیل سوختی هم بحث شد و نیز ایجاد ارتباط با مراکز تحقیقات دیگر کشورها. آقای [محمد] واعظی در مورد تأیید [و حمایت] حزب اعتدال و توسعه از آقای [علی] شمشانی سوال کرد. گفتیم در جلسات حزب برای تصمیم‌گیری بحث کنید.

## متفاوت از دیگران

سیاستمداران دنیا چگونه لباس می‌پوشند؟



شد دیگر این نوع پوشش را تکرار نکند.

فیدل کاسترو اما از میان تمام افراد سیاسی تیپ جالب‌تری داشت؛ رهبری انقلابی با افکار نزدیک به چپ و مارکسیست‌ها، طرفدار مارک آدیداس بود. پیش‌تر و قبل از آنکه تحت عمل جراحی قرار بگیرد، در انتظار عمومی بیشتر با لباس نظامی حاضر می‌شد. کلاه لهدار، ریش‌های بلند و چکمه‌های صیقلی، استایل تمام دوران ریاست جمهوری او بود و به نماد این سبک تبدیل شده بود. پس از عمل جراحی در سال ۲۰۰۶ اما از پوشش مخصوص بیمارها خودداری کرد و لباس ورزشی قرمز، سفید و آبی که به نشان خانوادگی مزین شده بود را به تن می‌کرد. ۱۰ سال پیش هم تصاویری که نخست‌وزیر هند نندراندرام مودی در مراسم روز ملی هند به رسانه‌های جهان مخابره شد، او را به سوزه روز تبدیل کرد. او با یک کت‌وشلوار در این مراسم حاضر شد که روی راه‌های طلایی آن نام آقای نخست‌وزیر حک شده بود؛ ماجرای که باعث روانه شدن سیل انتقادات زیادی نسبت به این فرد سیاسی شد و برخی از او به عنوان حسنی مبارک شماره ۲ یاد کردند، چرا که حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مخلوع مصر هم کت مخصوصی داشت و نام خودش روی آن حک شده بود. شاید همین انتقادات باعث شد تا این لباس به حراج گذاشته شود؛ لباس «نارندرا مودی» یک ماه پس از این جریانات در یک حراجی به قیمت ۶۹۰ هزار دلار به یک تاجر الماس فروخته شد و قرار بود درآمد و منافع حاصل از آن برای لایروبی رودخانه کنگ هرنه شود.

در کرشمالی هم کیم جونگ اون بسا کت‌وشلوارهای مد روز و پیراهن‌های اسپرتی که تقریباً تنها یک بار آنها را به تن کرده، معروف است. چند سال پیش کت‌های چرمی بلند او میان مردم محبوب شد اما حکومت کرشمالی پوشیدن این لباس را ممنوع کرد و به دنبال آن هم، پلیس در خیابان‌های کرشمالی گشت‌زنی می‌کرد تا کت‌ها را از فروشندگان و شهروندان توقیف و ضبط کند. تصور حاکمان کرشمالی این بود که مردم با پوشیدن این کت، رهبر را به تمسخر گرفته‌اند. در میان همه این افراد، عجیب‌ترین لباس‌ها را معمر قذافی، رهبر سابق لیبی به تن می‌کرد و علاقه زیادی هم به لباس داشت تا جایی که گران‌ترین، خاص‌ترین و عجیب‌ترین لباس‌های هر منطقه را از انواع یونیفورم‌های نظامی، دشنده‌های عربی تا البسه صحرایی ایریشمین با برندهای مختلف خریداری می‌کرد و در کمند لباس خود نگه می‌داشت. عبدالرحمن شلقم از مقامات سابق لیبی و دوست دوران کودکی قذافی هم گفته بود که او در بیشتر دیدارهایش با مقامات، خارجی کفش پاشنه بلند به پا می‌کرد تا نسبت به آنها بلند قدتر به نظر برسد و در واقع گویا از لباس‌های بسیار بلند قذافی که روی زمین کشیده می‌شد هم در همین کفش‌ها بود و او نمی‌خواست که دیگران به‌ویژه رسانه‌ها کفش‌های پاشنه‌بلندش را ببینند. از طرفی وقتی قذافی با لباس‌های تک‌تکه در سخنرانی‌ها حاضر می‌شد، ظاهراً قصد داشت تا سخنرانی خود را مهم و حماسی جلوه دهد.

حجاب و عفاف و دبیر سابق ستاد امر به معروف و نهی از منکر در توییتهای در شبکه اجتماعی ایکس از پزشک‌های دفاع کرد: «کاپشنی که پزشک‌های می‌پوشه از کت‌وشلوار خنک‌تره؛ و نیز عبا و قبا». داوود حشمتی، روزنامه‌نگار هم در یادداشتی که در کانال تلگرامی امتداد منتشر شده است در این باره نوشت: «پزشک‌های از سبک افرادی است که به قرار گرفتن در چارچوب‌هایی که جامعه به آنها تحمیل می‌کند، تمایلی ندارد. از آنجا که شخصاً چنین روحیه‌ای دارم این وضعیت را درک می‌کنم. اینکه هر خوب و بد و حتی نوع لباس پوشیدن را جامعه برای افراد تعریف می‌کند و دیگران باید در همان چارچوب عمل کنند تا «زیبا»، «شیک»، «امروزی» یا «رسمی» به نظر بیایند، نوعی تحمیل است». در این باره باید دید که نگاه و عمل مسعود پزشک‌های در مسند ریاست جمهوری و در خصوص بحث‌های مرتبط با سبک زندگی به‌ویژه درباره زنان چگونه پیش خواهد رفت. اما این روزنامه‌نگار در ادامه به نکات دیگری هم اشاره کرد: «اساساً پوشیدن کاپشن‌های نازک برای کسانی که تمایل دارند، لباس اسپورت و راحت بپوشند و ناچار نباشند کت‌وشلوار به تن کنند، یک راه فرار است که حتماً در بالاپوش علاوه بر پیراهن و به جای کت، تن پوش دیگری به تن کنند؛ لذا این فی‌نفسه قابل نقد نیست. به همان نسبت که کاپشن‌های نازک ممکن است گرما تولید کند، بیشتر از آن پوشیدن کت می‌تواند موجب گرما شود اما ایراد به آن آسته بودن، اتو داشتن یا متناسب بودن اجزای پوشش به پزشک‌های کاملاً وارد و به جاست. شایسته یک رئیس‌جمهور نیست که با لباس اتونشده در جلسات حاضر شود. چه جلسه داخلی باشد و چه خارجی. آنچه ما از پزشک‌های می‌خواهیم، کارآمدی دولت و عبور از بحران‌های اقتصادی و سیاسی است؛ بنابراین باید به سبک زندگی او هم احترام گذاشت و منتظر نتیجه ماند».

◀ **سبک پوشش جنجالی برخی افراد**

**سیاسی جهان**

انتقادات و دفاعیات از سبک لباس پوشیدن مسعود پزشک‌های اگرچه موضوعی حاشیه‌ای است و چندان به عملکرد او در ریاست جمهوری ارتباط مستقیم ندارد اما بهانه‌ای شد تا به سبک لباس پوشیدن برخی افراد سیاسی بپردازیم. نخستین فرد آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان با سابقه ۱۶ ساله است که در این دوران با استایل ویژه‌اش در جریانات سیاسی حاضر می‌شد؛ کت‌وشلوار گشاد تیره است همراه با گردنبند، کفش مشکی تخت و کیف جادار کم‌پایانی لانگ چمپ. او دوری از جلب توجه به ظاهر بیرونی خود را دنبال می‌کرد و آن کت بلزر این کار را برایش انجام داد و البته هراژگانه رنگ آن تغییر می‌کرد؛ پاستلی و ملایم، بنفش و نارنجی تند تا سفید و بژ، رنگ‌هایی بود که بسته به میزان رسمی بودن جلسات سیاسی از آنها استفاده می‌کرد. سبک و نگاه شخصی خود را داشت اما بازتاب سبک پوشش در رسانه‌ها هم تا اندازه‌ای برای او مهم بود تا جایی که تیتراهای مطبوعات درباره تافته کوثای که در مراسم افتتاحیه خانه‌ای برای اسلو پوشید، باعث

◀ **دفاعیات رنگ تازه‌ای گرفت**

گذشته از این پیشینه، برخی هم البته از سبک لباس پوشیدن رئیس‌جمهور منتخب ایران دفاع کردند، مثلاً جلیل محبی، چهره شناخته‌شده و جنجالی سال‌های اخیر در زمینه طراحی لایحه

چهره

## تاریخ نیکوکاری و حاج حسین آقا ملک

بزرگ‌ترین واقف تاریخ معاصر ایران که بود؟



حاج حسین آقا ملک را به‌عنوان بزرگ‌ترین واقف تاریخ معاصر ایران و از ثروتمندترین مردان ایران می‌شناسند. مردی که ۵۰ سال پیش بیش از ۲ میلیارد تومان از اموال و

دارایی‌های خود را تقدیم آستان قدس رضوی کرد؛ دهم خرداد در منزل پدری خود، ساختمان قدیم کتابخانه ملی ملک به دنیا آمد و ۱۰۱ سال بعد، در روز چهارم مرداد از دنیا رفت. از خانواده‌های مجتهدزاده بود اما پدر بزرگش به جای رفتن در کسوت روحانیت در جنگ‌های ایران و روس به قشون دولتی پیوست و درجه سرهنگی هم دریافت کرد سپس بازرگانی را برگزید. پدرش حاج محمدکاظم ملک‌التجار هم در این کسب‌وکار ماند و بعد هم نوبت به پسر رسید که البته دور از چشم پدر به مدرسه فرانسوی آلیانس رفت تا زبان فرانسه را بیاموزد. در نهایت آنچه از پدر به ارث رسید، پایه و اساس ثروت و تفکرات حاج حسین شد. مدت زیادی مسئولیت اداره املاک خراسان را به‌عنوان دستیار پدر بر عهده داشت و در همان جا هم به راهنمایی یکی از دوستان پدر با بخشی از کتاب‌های نفیس حرم رضوی آشنا شد و بعدتر وقتی که هنوز ۲۸ سال داشت در نیشابور نسخه‌ای از دیوان «ابن‌یمین فریومی» را به دست آورد و فکر کرد کتابخانه بزرگ به ذهنش افتاد. کتابخانه را در مشهد به راه انداخت و بعد آن را به خانه پدری او در بازار بین‌الحریمین تهران منتقل کرد تا در اختیار دیگران قرار گیرد. او خانه پدری خود در بازار بین‌الحریمین تهران را به همراه تمام اثاثیه و کتاب‌های موجود در آن وقف آستان امام رضا (ع) کرد تا «شعبه‌ای از کتابخانه مقدسه رضویه باشد». اسبابی که وقف شد علاوه بر هزاران نسخه خطی نفیس با چاپ سنگی شامل فرش‌ها، لوسترها، مبلمان و تابلوهای نقاشی بود که به‌عنوان لوازم و تجملات زندگی شخصی از آنها استفاده می‌کرد. به این لوازم باید مجموعه‌های تبر، سکه، آثار لاک و تابلوهای نقاشی میان‌شان را هم اضافه کرد. حسین ملک همچنین املاک و مستغلات زیادی را در تهران و خراسان وقف امور خیریه و عام‌المنفعه کرده و بدین‌ترتیب در جایگاه بزرگ‌ترین واقف تاریخ معاصر ایران نشست. حالا براساس آنچه که در وقتنامه آمده است؛ کتابخانه ملی ملک همه روزه به‌جز تعطیلات برای استفاده عموم باز است. همچنین اقدام خیرخواهانه دیگر او وقف اموالی بود که پس از مرگش درآمدی برای توسعه کمی‌وکیفی کتابخانه باشد؛ از جمله املاک و قفی در سال ۱۳۳۰ که شامل ۲۰ قطعه زمین بزرگ کشاورزی در خراسان و تعداد زیادی دکان در بازار تهران بود. کتابخانه و موزه ملی ملک، نخستین موزه خصوصی ایران و یکی از ۶ کتابخانه بزرگ ایران در زمینه نسخه‌های نفیس خطی به‌شمار می‌آید. این مجموعه گنجینه‌ای از بهترین نسخه‌های خطی و آثار تاریخی ایران را نگهداری می‌کند. تا امروز که ۱۲۵ سال از تاسیس و وقف آن می‌گذرد، کتابخانه دوره‌هایی مهمی را گذرانده است. حاج حسین در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۵ در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات ماجرای وقف این کتابخانه را روایت کرده است: «در سال ۱۳۱۷ هجری قمری که به اتفاق مرحوم پدرم حاج محمدکاظم ملک‌التجار برای دیدن املاک خراسان به مشهد رفتیم در بازگشت، در نیشابور نیرالدوله حاکم این شهر از ما که عده همراهانمان به ۴۰ نفر می‌رسید، استقبال باشکوه و پذیرایی ۱۵ روزه کرد. من در نیشابور نسخه‌ای از دیوان ابن‌یمین را پیدا کردم و در این ۱۵ روز از روی آن نسخه‌ای برای خود نوشتم. از آن پس این فکر در من قوت گرفت که یک کتابخانه بزرگ دایر کنم. ۶ سال بعد، از طرف پدرم مامور خراسان شدم. در آنجا کتابخانه شیخ عبدالحسین پسر شیخ عبدالرحیم ارسطو منشی کتسولگری روس را خریدم و کتابخانه خود را با این کتاب‌ها به‌وجود آوردم پس از آن هر کجا می‌شنیدم که کتاب خطی هست به سراغش رفتم. در این راه شهرتی بهم زدم به طوری که برای فروش کتاب قدیمی و خطی به من مراجعه می‌شد هر کس هر چه کتاب داشت می‌خریدم».